

تحلیل روایی سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران بر اساس چهارچوب تحلیل روایی سیاست (NPF)

 20.1001.1.24767220.1403.14.2.1.2

امیرمحمد واعظی^۱

علی ملکی^۲

چکیده

توسعه زیست‌بوم‌ها (اکوسیستم‌ها) استارت‌آپی به روندی جهانی تبدیل شده است. اهمیت این زیست‌بوم‌ها با تأثیرگذاری جدی بر تشکیل شرکت‌های فناوری و رشد اقتصادی کشور به دولت‌ها اثبات شده است. در ایران نیز سال‌هاست که با عناوین مختلف برای گسترش زیست‌بوم‌های استارت‌آپی تلاش شده است. در این مقاله، مبتنی بر چهارچوب روایی سیاست‌گذاری (NPF)، روایت‌های موجود از سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ تحلیل شده است. طبق یافته‌ها سه روایت اصلی همپایی، ثروت‌آفرینی و نفوذ، فضای مباحثات را راجع به توسعه این زیست‌بوم شکل داده‌اند. در بخش اول تحلیل، که مربوط به ارائه ساختار فرمی روایت‌هاست، مشخص شد که روایت همپایی و ثروت‌آفرینی در طی ائتلاف با یکدیگر، تولد و توسعه ابتدایی زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران را رقم زده‌اند. روایت نفوذ مدتی بعد به شکل نیرویی سلبی وارد میدان شد. در نهایت برای بررسی امکان یادگیری سیاستی از سوی این روایت‌ها، نقاط قوت و ضعف هر روایت بررسی شده است.

واژگان کلیدی: چهارچوب روایی سیاست‌گذاری، زیست‌بوم نوآوری، زیست‌بوم کارآفرینی، زیست‌بوم استارت‌آپی، روایت سیاستی، روایت همپایی، روایت ثروت‌آفرینی، روایت نفوذ

تاریخ پذیرش: ۱۸ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۵ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۲ دی ۱۴۰۱

مقدمه

اوایل دهه ۱۳۹۰ می‌توان سرآغاز زیست‌بوم استارت‌آپی ایران نامید. اهمیت این زیست‌بوم‌ها در رشد اقتصادی و نوآوری‌های فناورانه جهانی افزایش یافته است (UNDP, 2021)، درحالی‌که در ایران درباره ماهیت، منشأ، آثار، تاریخچه و اهمیت زیست‌بوم استارت‌آپی توافقی وجود ندارد، کشمکش‌ها و درگیری‌ها در این زمینه همچنان پابرجاست. برخی مقامات عالی‌رتبه کشور استارت‌آپی‌ها را راه‌حل مشکلات می‌دانند (ShanbeMagazine, 2019)، درحالی‌که گاهی زیست‌بوم استارت‌آپی تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می‌شود.

مباحثات موجود راجع به زیست‌بوم استارت‌آپی ایران، حمایت‌ها، اهمیت، سرمایه‌گذاری‌ها و ارزش سیاسی - رسانه‌ای آن صحنه‌ای پیچیده و تنش‌آلود پدید آورده است. نمونه‌هایی از این تنش‌ها در دانشگاه‌ها، برگزاری و لغو رویدادهای «پل»، مستند شب‌نامه (۱۳۹۵)، سقوط زیست‌بوم پس از ۱۳۹۶ و ورود بازیگران دولتی به زیست‌بوم دیده می‌شود. همچنین، تلاش‌های مسئولان برای نسبت‌دادن توسعه زیست‌بوم به خود و مجوزندان به کسب‌وکارهای بزرگ برای ورود به بورس نیز مشهود است.

میدان‌های سیاسی نمایانگر مباحث و درگیری‌های سیاسی هستند و «روایت‌ها خون جاری در رگ‌های حیات سیاست‌اند» (Jones et al. 2023). سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران نیز همواره محل درگیری و مباحثات ذی‌نفعان مختلف بوده است. چهارچوب روایی سیاست‌گذاری ابزاری قدرتمند در اختیار ما می‌گذارد تا پرده از صورت‌های نهادی و رسمی سیاست‌گذاری کنار بزنیم و با اتکا به روایت‌های موجود در میدان سیاست‌گذاری به واقعیت آن پی ببریم (Jones et al. 2023).

در این پژوهش سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران در ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ تحلیل شده است، یعنی سال‌های بین تأسیس مؤثرترین شرکت سرمایه‌گذاری جسورانه در ایران تا خروج مؤسس آن از کشور که شامل سال‌های تولد، رشد، سقوط و تولد دوباره زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران است.

هدف از این پژوهش، بررسی فرایند سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران از طریق تحلیل روایت‌های حاضر در مباحثات سیاسی موجود است. این سؤالات مطابق معمول طراحی سؤالات پژوهش‌های انجام‌شده، ذیل چهارچوب NPF^۱ در سطح میانه^۲ طراحی شده‌اند (Pierce et al. 2014; Ney, 2014; Meyer, 2017).

سؤال اول پژوهش: چه روایت‌هایی و با چه ساختاری عرصه سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران را احاطه کرده‌اند؟

سؤال دوم پژوهش: مشخصه‌های نسبی هریک از روایت‌های سیاسی (نقاط قوت، معتمدین، غفلت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری) به چه صورت است؟

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه زیست‌بوم استارت‌آپی و NPF بررسی شده است. در بخش بعدی، روش تحقیق در پژوهش حاضر شرح داده شده و سپس یافته‌های تحقیق مبتنی بر تبیین روایت‌های شناسایی‌شده و ساختاربندی صورتی آن‌ها ارائه شده است. در بخش آخر، بعد تحلیلی از یافته‌های پژوهش، مشخصات نسبی هریک از روایت‌ها ارائه و بیان و درنهایت نتیجه‌گیری شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. زیست‌بوم‌های استارت‌آپی

جیمز اف. مور مفهوم زیست‌بوم و مدل‌سازی آن را از علم بوم‌شناسی وارد فضای کسب‌وکار و سپس ادبیات نوآوری و کارآفرینی کرده است (Moore, 1996). تعاریف متنوعی از زیست‌بوم ارائه شده است. آدنر یکی از تعاریف پذیرفته‌شده را ارائه داده است: «ساختار هم‌سو^۳ مجموعه‌ای از شرکا که برای تحقق ارزش پیشنهادی^۴ قانونی با هم تعامل داشته باشند» (Adner, 2017). ذیل مفهوم زیست‌بوم در ادبیات، سه مفهوم زیست‌بوم کسب‌وکار^۵، زیست‌بوم نوآوری^۶ و زیست‌بوم کارآفرینی^۷ شکل گرفته است (Hakala et al., 2020).

زیست‌بوم کسب‌وکار را می‌توان جامعه‌ای اقتصادی متشکل از سازمان‌ها و افراد متعامل تعریف کرد که به تولید کالاها و خدمات برای مشتریان روی آورده است و شامل تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان، رقبا و سایر ذی‌نفعان هستند. این اعضا توانمندی‌ها و نقش‌های خود را با جهت‌گیری شرکت‌های مرکزی هماهنگ می‌کنند (Moore, 1996). زیست‌بوم نوآوری مجموعه‌ای از بازیگران، فعالیت‌ها، مصنوعات، نهادها و روابطی است که برای عملکرد نوآورانه اهمیت دارند (Granstrand and Holgersson, 2020). زیست‌بوم کارآفرینی، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از بازیگران کارآفرین، سازمان‌های کارآفرین، مؤسسات و فرایندهای کارآفرینی است که برای شکل‌دهی و حفظ زیست‌بوم همکاری می‌کنند (Mason and Brown, 2014).

این سه مفهوم از منظر نظری و مصداقی بسیار نزدیک به هم‌اند و زیست‌بوم استارت‌آپی در ادبیات ذیل هریک از زیست‌بوم کسب‌وکار (Sako, 2018; Lee et al. 2017)، زیست‌بوم نوآوری (Ojaghi et al., 2019; Nambisan and Baron, 2019)

3. Alignment structure

4. Value proposition

5. Business ecosystem

6. Innovation ecosystem

7. Entrepreneurship ecosystem

1. Narrative Policy Framework

2. Meso

پیروی می‌کنند و باید در قالب‌های تعمیم‌پذیری تفسیر شوند. این قالب‌ها در سیستم باورها^۷ و استراتژی‌های روایی^۸ یافت می‌شوند (Jones et al., 2014).

جونز و مک‌بث دو مجموعه سیستم باورها را پیشنهاد می‌دهند؛ مجموعه حزبی و ایدئولوژیک^۹ که وابستگی‌های حزبی و ایدئولوژی را با جای‌گیری‌ها و ارزش‌های اصلی بازیگران مرتبط می‌کند و مجموعه مبتنی بر نظریه فرهنگی^{۱۰} که سیستم باورها را در دو محور شبکه‌بندی^{۱۱} و گروه^{۱۲} اندازه‌گیری می‌کند (Jones and McBeth, 2010).

استراتژی‌های روایی به نمایش‌های تاکتیکی و استفاده از عناصر روایی برای کنترل یا تغییر فرایندها، مشارکت‌ها و خروجی‌های سیاستی اشاره دارند. روایت‌های سیاستی برساخته‌های استراتژیک از واقعیت از سوی بازیگران سیاستی اند. بر اساس پژوهش‌های NPF استراتژی‌های مشابه و تعمیم‌پذیری در روایت‌های سیاستی مختلف به کار رفته‌اند (Jones et al., 2014).

در این پژوهش از NPF در سطح میانه استفاده شده است. NPF در سطح میانه بر زیر سیستم‌های سیاستی متمرکز است که در آن بازیگران به صورت فردی یا گروهی کنش می‌کنند و ائتلاف‌هایی را برای رقابت با استفاده از روایت‌ها تشکیل می‌دهند. طبق تحقیقات NPF در این سطح مشخص شده است که باورهای مختلف سیاستی و استفاده از استراتژی‌های روایی از سوی ائتلاف‌های مختلف چگونه می‌تواند رفتارهای درون ائتلافی را تحت تأثیر قرار دهد (Shanahan et al., 2013) و استراتژی‌های روایی بسته به وضعیت برنده یا بازنده بودن گروه‌ها، موضوعات سیاستی را بسط یا محدود سازند (McBeth et al., 2007). همچنین، استفاده از استراتژی جابه‌جایی شیطان-فرشته که از روایت‌های قهرمانانه در مقابل روایت‌های مخالف بهره می‌برد، بررسی شده است (Merry, 2016).

۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش در عرصه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران، علاوه بر خود زیست‌بوم استارت‌آپی، لازم است تا پژوهش‌های زیست‌بوم کارآفرینی، نوآوری و کسب‌وکار نیز بررسی شوند. در بیشتر پژوهش‌ها بر عوامل مؤثر بر عملکرد زیست‌بوم استارت‌آپی و چالش‌های آن تمرکز شده است. انتظاری به بررسی الگوی شکل‌گیری زیست‌بوم کارآفرینی نوآورانه در جهان پرداخته و پیشنهادهایی برای ایران ارائه داده است (Entezari, 2018). اشتري به تحلیل اجتماعی زیست‌بوم استارت‌آپی ایران به صورت

(2013; Baloutsos et al., 2022 Motoyama and Knowlton, 2017; Cavallo et al. 2019;) و یا زیست‌بوم کارآفرینی (Gueguen et al. 2021) بحث و پژوهش شده است.

با وجود تشابهات، هریک از این سه مفهوم موضوعات مشابه از منظرهای متفاوت را شامل می‌شوند. در ادبیات زیست‌بوم کسب‌وکار بر کمیت تعاملات و ساختار متراکم شرکت‌ها بیشتر تمرکز می‌شود، در حالی که ادبیات زیست‌بوم نوآوری بر جنبه پویای تعاملات به‌ویژه همکاری‌ها تأکید می‌کند. ادبیات زیست‌بوم‌های کارآفرینی بر توسعه منطقه‌ای و خلق شرایط بیرونی برای همکاری به‌منظور ظهور و حفظ زیست‌بوم تمرکز دارند (Hakala et al., 2020). زیست‌بوم استارت‌آپی را می‌توان مصداق هریک از این سه مفهوم دانست. تریپاتی و همکاران (Tripathi et al., 2018) زیست‌بوم استارت‌آپی را به‌مثابه محیطی در منطقه‌ای خاص تعریف می‌کنند که شامل بازیگرانی مانند کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان است. آن‌ها با سازمان‌های پشتیبان، مانند آژانس‌های تأمین مالی، دولت‌ها و مؤسسات آموزشی همکاری می‌کنند تا زیرساخت لازم برای تشکیل و پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها را فراهم آورند و توسعه محصولات و مشاغل جدید را در مقیاس بزرگ‌تر افزایش دهند.

۱-۲. چهارچوب روایی سیاست‌گذاری (NPF)

NPF نظریه فرایند سیاست‌گذاری^۱ است که در آن چهارچوبی روش‌شناختی برای تحلیل فرایندهای سیاستی با در نظر گرفتن روایت‌ها ارائه می‌شود. پرسش اصلی این چهارچوب این است که روایت‌های سیاستی چه نقشی در فرایند سیاست‌گذاری دارند (Shanahan et al., 2018).

NPF روایت‌ها را به‌منزله ابژه‌هایی در نظر می‌گیرد و آن‌ها را به اجزای روایی، فرمی و محتوایی تفکیک می‌کند. اولین مؤلفه فرم روایت است که از عناصر داستانی تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از زمینه^۲ (شامل عوامل جغرافیایی، قوانین و عواقب مربوط به سیاست‌هاست)، شخصیت‌ها^۳ (شامل قربانیان، شروران و قهرمانان)، پی‌رنگ^۴ (شخصیت‌ها را به نسبت زمینه و یکدیگر در فضا و زمان قرار می‌دهد) و نتیجه اخلاقی^۵ (راه‌حلی سیاستی یا دعوت به کنش است) (Jones et al., 2014).

دومین مؤلفه محتوای روایت است که مختص هر روایت است و استدلال‌های آن را منتقل می‌کند (Jones and McBeth, 2010). در NPF ادعای پس‌پوزیتیویستی مبنی بر نسبی بودن روایت‌ها رد شده و باور بر این است که محتوای روایت‌ها از الگوهای پایه‌ای

7. Belief System
8. Narrative Strategies
9. Partisanship and Ideology
10. Cultural Theory (CT)
11. Grid
12. Group

1. Policy Process Theory
2. Object
3. Setting
4. Characters
5. Plot
6. Moral

زیست‌بوم استارت‌آپی ایران، به ابزاری متفاوت نیاز داریم و NPF چنین ابزاری را فراهم می‌کند. تحلیل روایی سیاست‌گذاری می‌تواند سطح متفاوتی از تحلیل سیاست را ارائه دهد که محدود به ساختار رسمی نیست و سطوح غیررسمی را نیز شامل می‌شود. پژوهش نی^۱ (2014) که در آن تأثیر روایت‌های سیاستی سطح کلان بر سیاست‌گذاری نوآوری اجتماعی بررسی می‌شود، می‌تواند نمونه مناسبی از این جنس متفاوت تحلیل باشد.

جونز، شاناهان و مک‌بث پژوهش‌های اصلی NPF را انجام داده‌اند. بر این چهارچوب با کاربردی روش‌های ساختارگرایانه برای بررسی روایت‌ها که معمولاً پس‌ساختارگرایانه^۲ تلقی می‌شود، نقدهایی شده است. جونز و مک‌بث در مقاله‌ای از روش‌شناسی NPF دفاع کرده و آن را به‌مثابه چهارچوبی برای مطالعات تجربی معرفی کرده‌اند (Jones and McBeth, 2010). شاناهان و همکاران NPF را در برخی ساختارها ملهم از ACF^۳ دانسته‌اند و آن را تلاشی برای بررسی تجربی عوامل غیرعقلانی^۴ می‌خوانند (Shanahan et al., 2011). جونز و رادائلی نیز NPF و چهارچوب تفسیرگرایانه^۵ را مقایسه کرده‌اند و نشان داده‌اند که NPF می‌تواند نقشی مکمل برای ادبیات تفسیری داشته باشد (Jones and Radaelli, 2015).

پژوهش‌های NPF بیشتر بر مسائل زیست‌محیطی و انرژی متمرکز شده‌اند (Pierce et al., 2014)، اما در سال‌های اخیر کاربرد آن‌ها گسترش یافته است. گوپتا و همکاران اثرگذاری پیام‌های توییتی بر سیاست‌های انرژی هسته‌ای در ایالات متحده را مطرح کرده‌اند (Gupta et al., 2018). میر روایت‌های موجود در مباحثات سیاستی مربوط به جایگاه مدارک غیررسمی در چهارچوب ملی تأیید صلاحیت‌های حرفه‌ای در آلمان را بررسی کرده است (Meyer, 2017). شوائبل امکان تعمیم‌پذیری جهانی کاربردی روایت‌ها را تحلیل کرده است (Schwaeble, 2019). النعمیم و همکاران کاربردی روایت‌ها در زیست‌بوم امنیت اطلاعات را بررسی کرده‌اند (Al Nuaim et al., 2020). حال قانون آزادی عمل سرویس‌های امنیتی ایالات متحده را بیان کرده است (Hall, 2021). در مقاله دیگری تأثیر روایت‌های رسانه‌ای بر سیاست سرمایه‌گذاری تولید الکل در اندونزی تحلیل شده است (Habibie et al., 2021). نهایتاً، در پژوهشی اثرگذاری روایت‌های سیاستی بر فرایند سیاست‌گذاری ماهی‌های تراریخته در کانادا بررسی شده است (Williams and Kuzma, 2022).

PESTE پرداخته است (Ashtary Mehrjerdi, 2021). در پژوهشی دیگر به بررسی ابعاد زیست‌بوم کارآفرینی فناورانه در ایران پرداخته شده است (Maysami et al., 2018). در مقاله‌ای نیز چالش‌های کلیدی در «استارت‌آپ‌های کلان‌داده» ایران بررسی شده است (Bahrami et al., 2021).

جوانمردی عوامل مؤثر در زیست‌بوم نوآوری ایران را بررسی کرده است (Javanmardi, 2022). در پژوهشی دیگر تأثیر زیرساخت‌های نرم در توسعه کسب‌وکارهای استارت‌آپی در شرایط کمبود منابع مالی بررسی شده است (Eghbalian, 2021). میثمی و الیاسی چهارچوبی برای زیست‌بوم کارآفرینی فناورانه در ایران طراحی کرده‌اند (Maysami and Elyasi, 2020). داوری و نجم‌آبادی نیز عملکرد زیست‌بوم کارآفرینی ایران را بررسی کرده‌اند (Davari and Najmabadi, 2018). سلام‌زاده و تاج‌پور نیز چالش‌های شکل‌گیری استارت‌آپ‌های رسانه‌ای در ایران را شناسایی کرده‌اند (Salamzadeh and Tajpur, 2020).

در بخش کوچک‌تری از پژوهش‌ها آثار سیاست‌گذاری‌های توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی بیان شده است. سو و زارع سیاست‌های توسعه کارآفرینی و صنایع خلاق را بررسی کرده‌اند (Su and Zarea, 2020). سمک‌نژاد تأثیرات برجام در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی را بررسی کرده است (Sammaknejad, 2017). در پژوهشی عوامل مؤثر بر زیست‌بوم استارت‌آپی و تاریخچه سیاست‌گذاری در این زمینه آسیب‌شناسی شده است (Salamzadeh and Kawamorita Kesim, 2017). جعفری مقدم تاریخچه مداخلات دولت برای توسعه زیست‌بوم کارآفرینی را بررسی و نمونه‌ای برای سیاست‌گذاری کارآفرینی ارائه کرده است (Moghadam, 2017).

در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP, 2021) وضعیت زیست‌بوم نوآوری ایران را بررسی شده و تاریخچه توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ارائه شده است. استارت‌آپ‌ها از سال ۱۳۹۱ پدید آمدند و در ۱۳۹۳ جامعه استارت‌آپی ایران فعالیت خود را آغاز کرد. در ۱۳۹۴ فعالیت سرمایه‌گذاری بذری و فرشته آغاز می‌شود. در ۱۳۹۵ رشد ناگهانی فین‌تک (فناوری‌های مالی) و ظهور شتاب‌دهنده‌های مهم اتفاق می‌افتد. در ۱۳۹۷ آمریکا از برجام خارج می‌شود و رکود در زیست‌بوم آغاز می‌شود و در ۱۳۹۸ شاهد گسترش حمایت‌های دولتی و افزایش تعداد شتاب‌دهنده‌ها و سرمایه‌گذاران خطرپذیر در زیست‌بوم هستیم.

ادبیات موجود عمدتاً به مبحث زیست‌بوم استارت‌آپی نگرشی مدیریتی و کسب‌وکارمحور داشته و در آن به عوامل سیاست‌گذاری به‌طور کلی اشاره شده است. در ادبیات محدودتر سیاست‌گذاری نیز بیشتر مباحث رسمی و نهادی مطرح شده است و تصویری کامل از واقعیت در لایه‌های پنهانی از اسناد و قواعد رسمی ارائه نشده است. برای تحلیلی عمیق‌تر از فرایند سیاست‌گذاری

1. Ney

2. Post structural

3. Advocacy Coalition Framework

4. Nonrational

5. Interpretivistic

۳. روش تحقیق

مطابق پیشنهاد شاناهان و همکاران (۲۰۱۸) برای پژوهش‌های مبتنی بر NPF، می‌توان به منابع داده‌ای گوناگونی مانند مصاحبه‌ها، داده‌های رسمی، روزنامه‌ها، یادداشت‌ها و سخنرانی‌ها مراجعه کرد. در این پژوهش، با وجود بررسی منابع رسانه‌ای موجود درباره زیست‌بوم استارت‌آپی ایران در بازه ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸، به علت ضدونقیض بودن داده‌ها و ممکن نبودن دید درست به روایت‌های سیاستی، از این منابع فقط برای یافتن سرنخ‌هایی به منظور رجوع به ذی‌نفعان استفاده شد و داده‌های مورد تحلیل تماماً از مصاحبه‌ها کسب شد.

در این پژوهش از رویکرد کیفی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. طبق پژوهش اخیر شلائوفر و همکاران با بررسی ۱۲۴ پژوهش NPF، ۳۳ مورد از رویکرد کیفی، ۳۲ مورد از رویکرد ترکیبی و ۵۹ مورد از رویکرد کمی بهره برده‌اند و دیگر نمی‌توان پژوهش‌های کیفی را در اقلیت دانست (Schlaufer et al., 2022). شاناهان و همکاران نیز تأکید کرده‌اند که NPF با رویکرد کمی بیشتر در آزمون و بهبود فرضیات کارایی دارد و روش کیفی برای بیان گزاره‌های نظری یا انتظارات مناسب‌تر است (Shanahan et al., 2018). به سبب اکتشافی بودن پژوهش و هدف شناسایی فضای مباحثات حول سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران، استفاده از رویکرد کیفی مناسب‌تر بود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و با سؤالات پیگیرانه^۱ جمع‌آوری شدند. در مجموع ۳۳ مصاحبه انجام شد و بیش از ۹۰ ساعت صوت ضبط شد که پس از پیاده‌سازی به بیش از ۳۰۰ هزار کلمه تبدیل شدند. تمامی این مصاحبه‌ها با وجود شرایط کرونایی، حضوری انجام شدند و مدت آن‌ها بین ۱/۵ تا ۴/۵ ساعت بود و در هر مصاحبه فقط با یک مصاحبه‌شونده گفت‌وگو صورت گرفت.

در متن، مصاحبه‌ها به صورت مصاحبه ۱ (I1)، مصاحبه ۲ (I2)، ... و مصاحبه ۳۳ (I33) ارجاع داده شده‌اند. در این پژوهش نام افراد یا سازمان‌ها ذکر نشده است. برخی افراد تمایلی به مصاحبه نداشتند و برای جایگزینی آن‌ها، با نزدیک‌ترین فرد در دسترس با جایگاه مشابه مصاحبه شد.

برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان، بر اساس مطالعات موجود در زمینه سیاست‌گذاری نوآوری (Souzanchi Kashani, 2019)، داده‌های موجود در سایت رستا ۳۶۰^۲ و برخی دیگر از منابع رسانه‌ای در دسترس، گروه‌های اصلی ذی‌نفع در فرایند توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی شناسایی شدند و به افراد

هریک از این گروه‌ها مراجعه شد. شرط اول در این مراجعه، در دسترس بودن و تمایل به مصاحبه و شرط دوم امکان اخذ روایتی غیرکلیشه‌ای و عمیق بود. همچنین با استفاده از فرایند گلوله‌برفی، از ذی‌نفعان و ائتلاف‌های جدید نیز بهره برده شد. مصاحبه‌ها تا هنگام وصول به اشباع ادامه یافت.

مطابق معمول پژوهش‌های سطح میانه NPF (Shanahan et al., 2018)، تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا^۳ صورت گرفت. کدگذاری متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas-ti و بر اساس اجزای ساختاری روایت (زمینه، شخصیت‌ها و نتیجه اخلاقی) انجام شد. روایت‌ها بر اساس وجود سه عنصر زمینه، شخصیت‌ها (قهرمان، تبهکار و قربانی) و نتیجه اخلاقی و ارجاع به موضوع سیاستی توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران شناسایی شدند. این موارد با نظر به پژوهش‌های پیشین که روش کیفی را در NPF به کار گرفته‌اند، انتخاب شدند (Ney, 2014; Meyer, 2017). سپس این روایت‌ها بر اساس دو معیار ارتباط محتوایی و وابستگی‌های سازمانی / سیاسی مصاحبه‌شوندگان (مبتنی بر مجموعه حزبی و ایدئولوژیک در سطح سیستم باورها)، به سه روایت اصلی همپایی، ثروت‌آفرینی و نفوذ تفکیک شدند.

گروه روایی اول را فعالان برخی سازمان‌های حاکمیتی تشکیل می‌دهند که توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران را در راستای منافع گروهی و ایدئولوژی «ارتباط با جهان» خود می‌دانستند. این گروه حامیان روایی همپایی^۴ نامیده شده‌اند. گروه روایی دوم متشکل از سرمایه‌گذاران، شبکه‌سازان، کارآفرینان و سایر فعالان بخش خصوصی حوزه فناوری‌اند که در بازه زمانی مذکور با مناسب شدن شرایط، توانستند عاملیت اصلی را در شکل‌دهی به زیست‌بوم استارت‌آپی ایران داشته باشند. این گروه حامیان روایت ثروت‌آفرینی نامیده شده‌اند. گروه روایی سوم را فعالان برخی نهادهای حاکمیتی تشکیل می‌دهند که توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران را برنامه نفوذ اقتصادی و امنیتی دشمنان می‌دانند و مخالف ارتباطات بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی هستند. این روایت را روایت نفوذ می‌نامند.

برای سنجش روایی^۵ و پایایی^۶ پژوهش در مراحل جمع‌آوری و تحلیل داده، از روش‌هایی که در ادامه آمده، استفاده شده است. روایی پژوهش مربوط به صحت روش‌شناسی، فرایند نمونه‌گیری، فرایند تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری پژوهش است (Golafshani, 2003). در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها برای سنجش روایی پژوهش، از روش مثلثی‌سازی (افزایش تعداد مصاحبه‌شوندگان و مقایسه داده‌های به دست آمده با داده‌های موجود در فضای

3. Content Analysis

4. Catch-Up

5. Validity

6. Reliability

1. Follow-up Questions

۲. www.Rasta360.ir; این وبگاه نقشه سهام‌داری کسب‌وکارهای زیست‌بوم استارت‌آپی

ایران را در قالب نقشه‌ای جامع عرضه می‌کند.

مسئله دیگر «مهاجرت استارت‌آپ‌ها» و برقراری زیرساخت‌های جذب آن‌ها در کشورهای گوناگون است. در صورت پویانبودن کشور در این زمینه، شاهد مهاجرت نیروی کار تحصیل‌کرده خواهیم بود (I12). از علل اهمیت ویژه زیست‌بوم استارت‌آپی برای حاکمیت، وجود کسب‌وکارهای مالک پلتفرم‌های خدمات برخط (آنلاین) است که داده‌های آن‌ها اهمیت فراوانی دارند. این داده‌ها می‌توانند بهره‌های بسیاری داشته باشند و افتادن آن‌ها به دست دیگران خطرناک است (I13). همچنین، انتقال قدرت حکمرانی از ساختارهای رسمی به پلتفرم‌های خدمات برخط (آنلاین)، چالشی برای حاکمیت است که در صورت عدم کنترل بر این پلتفرم‌ها، قدرت تنظیم‌گری بر شهروندان را از دست خواهد داد (I26). طبق روندهای جهانی، حجم اقتصادی بنگاه‌های مالک پلتفرم‌ها ممکن است از شرکت‌های بزرگ اقتصادی سابق پیشی گیرد و ثروت و قدرت فراوانی را در اختیار دست مالکین این شرکت‌ها متمرکز کند (I16).

۳-۱-۱-۲. شخصیت‌ها

قهرمان

روایت همپایی دو قهرمان اصلی دارد. قهرمان اول، بازیگران دولتی (قوة مجریه) هستند که با اقدامات مناسب توانستند زیست‌بوم استارت‌آپی را توسعه و تثبیت کنند. اولین اقدام آن‌ها برقراری، مشروع‌سازی و گسترش ادبیات اقتصاد و شرکت‌های دانش‌بنیان بود (I26). در اواخر دهه ۱۳۸۰، قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به تصویب مجلس رسید و پس از چند سال کشمکش، در ۱۳۹۲، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری جایگاه خود را به‌منزله مجری این قانون تثبیت کرد (I6, I16, I18). این نهادها اولین بخش از حاکمیت بودند که به اهمیت توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی پی بر و با ترجمه مأموریت توسعه اقتصاد دانش‌بنیان به توسعه زیست‌بوم، با دو راهکار شبکه‌سازی و ارائه تسهیلات، زیست‌بوم استارت‌آپی را گسترش داد (I6, I29, I30).

عامل اصلی رشد سریع بسیاری از غول‌های زیست‌بوم استارت‌آپی، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیری بود که از محل سرمایه‌گذاری مشترک این قهرمان با بخش خصوصی شکل گرفت (I12, I18, I21). همچنین، بخش‌های دیگری از دولت در دوره دولت یازدهم و دوازدهم با توسعه و به‌روزرسانی زیرساخت فنی اینترنت، زمینه لازم را برای گسترش زیست‌بوم استارت‌آپی فراهم کردند که عمده‌تاً از کسب‌وکارهای برخط (آنلاین) تشکیل شده‌اند (I23).

قهرمان دوم بخش‌هایی از حاکمیت بیرون از دولت (بخش عمومی غیردولتی) و بالادست دولت بودند که هرچند دیرتر از

رسانه‌ای و اخبار زیست‌بوم استارت‌آپی و بررسی پژوهش‌های قبلی در زمینه زیست‌بوم استارت‌آپی) و تحلیل شواهد ناقص استفاده شده است. پایداری در پژوهش کیفی به معنای وصول به نتایج مشابه از تحلیل و کدگذاری داده‌های پژوهش از مسیرها و از سوی افراد مختلف در زمان‌های متفاوت است (Golafshani, 2003). برای سنجش این موضوع جدولی از کدگذاری‌های انجام‌شده تهیه شده است و پس انتخاب تصادفی تعدادی از این کدها با تفکیک هریک از اجزای روایت‌ها، شخص دومی نتیجه کدگذاری‌ها را کنترل کرد.

۳-۱-۱-۳. تحلیل روایت‌ها

در این بخش سه روایت همپایی، ثروت‌آفرینی و نفوذ، به‌صورت جداگانه و بر اساس عناصر تعمیم‌پذیر روایی هریک، یعنی زمینه، قهرمان، تبهکار، قربانی و نتیجه اخلاقی، تحلیل شده است.

۳-۱-۱-۳. روایت همپایی

انتلاف حامی روایت همپایی عمدتاً از بازیگران بخش عمومی دولتی و غیردولتی تشکیل شده است که پیش از آغاز فعالیت زیست‌بوم استارت‌آپی، حامی ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان بود و این زیست‌بوم را به‌نوعی مقوم ادبیات پیشین خود و عامل توسعه اقتصاد و فناوری در کشور می‌دانست (I1, I3, I15, I16, I20, I21, I23, I25, I26, I27).

۳-۱-۱-۳. زمینه

دال مرکزی روایت همپایی نگاه به رشد و توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی به‌مثابه فرصتی جهانی است که بهره‌برداری از آن می‌تواند به توسعه اقتصادی ایران منجر شود (I3, I25, I30). بر اساس تولد و رشد شرکت‌های بین‌المللی IT در زیست‌بوم‌هایی مانند سیلیکون ولی^۱ و حجم اقتصادی بزرگ آن‌ها، توسعه اقتصادی ایران فقط با پیوستن به این موج ممکن است (I21, I29, I30).

زیست‌بوم استارت‌آپی و دانش‌بنیان در کشور در برابر سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته، بازگشت مالی خوبی داشته است و نمی‌توان به هزینه‌های آن‌ها خرده گرفت، زیرا توسعه با منطق «راه بن‌داز، جا بن‌داز» یگانه روش مؤثر در ایران است (I16). بر اساس حجم اقتصادی بزرگ غول‌های زیست‌بوم ایران، این زیست‌بوم فراتر از شرکت‌های کوچک و متوسط است (I30). «اصلاً الان می‌دانید اسنپ چقدر ارزش دارد؟... ۱ میلیارد دلار! الان شما مقایسه کنید، با سرمایه‌ای که در آن صرف شده است. شما فکر می‌کنید کسب‌وکاری با این حجم... اسمش شرکت کوچک و متوسط است؟» (I30)

تثبیت و گسترش زیست‌بوم استارت‌آپی ایران برچسب نفوذی خوردند (I30). اتهامات وارده به این افراد و نهادها بیشتر جنبهٔ بهانه‌جویانه‌ای برای تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی داخلی داشته است (I33).

دستهٔ دوم سرمایه‌گذاران خارجی (و ایرانی خارج از کشور) و کسانی هستند که از طریق شبکه‌سازی در فضای بین‌المللی سعی در توسعهٔ زیست‌بوم استارت‌آپی ایران داشتند (I3, I12, I31). این دسته به سبب تحریم‌های خارجی (مسدود شدن دارایی‌ها در ایران و کاهش ارزش ریال) و فشارهای داخلی (اتهام به جاسوسی و نفوذ) مشکلات و خسارات فراوانی را متحمل شدند (I12).

۳-۱-۱-۳. نتیجه اخلاقی

نتیجه اخلاقی مدنظر روایت همپایی به همراهی با روندهای جهانی مرتبط است (I15). از منظر آن، حاکمیت باید مشی انفعالی خود را در قبال پدیده‌های نوظهور کنار بگذارد و به دنبال برد در زمین‌های از پیش باخته (مانند پیام‌رسان‌ها) نباشد (I12).

«فالوور بودن یعنی شما همی می‌روید [در] یک زمین، جنگی را شروع می‌کنید. [مثلاً] فیس‌بوک می‌آید؛ بعد ۵-۶ سال با تأخیر می‌خواهید بروید مقابله کنید که ناگهان توییتر می‌آید و مثل سیل رد می‌شود... تو باید به مسیر شکل بدهی و جریان سازی. فقط این طوری می‌توانید مقابله کنید.» (I12)

در وضعیتی که میدان حکمرانی از قدرت ساختار به قدرت حضور مردم در پلتفرم‌ها تغییر کرده است، نظام سیاسی چاره‌ای جز توسعهٔ زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و سرمایه‌گذاری در آن‌ها ندارد (I26, I31). برای تحقق این امر، لازم است تا ساختار پشتیبانی زیست‌بوم‌های استارت‌آپی به صورت مجزا از ساختار معمول دولتی (به‌علت ناتوانی این ساختارها از همراهی با زیست‌بوم) شکل بگیرد (I20).

دومین اقدام لازم، درک منطق سرمایه‌گذاری در عصر اطلاعات و حذف فرایندهای سنتی مطالعات امکان‌سنجی و سرمایه‌گذاری و جایگزین شدن آن با منطق «شکست سریع»^۱ است (I26). سومین نکته هم لزوم جایگزینی معیار نرخ رشد با حجم اقتصادی برای سنجش ارزش هزینه‌های صورت گرفته برای توسعهٔ زیست‌بوم است (I12).

نحوه نظارت امنیتی بر زیست‌بوم‌های استارت‌آپی باید از تصدی‌گری به تنظیم‌گری و نظارت تغییر پیدا کند؛ به صورتی که مشوق‌ها و چیدمان قوانین، به تمایل کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به رعایت قواعد مدنظر حاکمیت منجر شود (I8, I28, I30). و نهایتاً باید دانست، هرگونه تلاش برای حذف بازیگران

بخش خصوصی به اهمیت موضوع پی بردند (I21, I30)، اما با فهم اهمیت زیست‌بوم استارت‌آپی در آیندهٔ کشور و دیدن آن به چشم فرصت، از سال ۱۳۹۴ وارد زیست‌بوم شدند (I3, I27, I28, I29). این نهادها به سبب فهم اهمیت شبکه‌سازی بین‌المللی برای توسعهٔ زیست‌بوم استارت‌آپی، با جلب اطمینان حاکمیت و شبکه‌سازی، زمینهٔ حضور کارآفرینان ایرانی در فضای جهانی را فراهم آوردند (I12, I29). حضور این نهادها در زیست‌بوم به‌عنوان مکمل بخش خصوصی و عامل مشروعیت‌بخشی و اعتماد حاکمیت به زیست‌بوم بود (I12, I21).

تبهکار

تبهکار روایت همپایی نهادهای حاکمیتی‌اند که دیدگاه نظامی به حیطهٔ علم و فناوری دارند و زیست‌بوم استارت‌آپی ایران را که عمدتاً بر مبنای سرمایهٔ خارجی شکل گرفته بود، مصداق تام عملیات نفوذ دشمن دانستند و آن را تخریب کردند (I3, I9).

در ابتدا توجه آن‌ها به ظاهر متفاوت اماکن و افراد این زیست‌بوم جلب شد، اما با گذر زمان به اهمیت اقتصادی و امنیتی این زیست‌بوم از لحاظ مقیاس‌پذیری و قدرت حکمرانی پلتفرم‌ها پی بردند و به جای تنظیم‌گری، به تصدی‌گری مستقیم روی آوردند (I3, I12, I30). تئوری نفوذ این نهادها به دو علت نقص دارد. اول اینکه نمی‌توان ادعا کرد که با نفوذ از طریق بخش کوچکی از اقتصاد، امنیت اقتصادی کشور به خطر می‌افتد (I3, I21): «کل سرمایه‌گذاری صورت گرفته در زیست‌بوم استارت‌آپی، از سرمایه‌گذاری یک کارخانهٔ آب‌میوه‌گیری برای راه‌اندازی خط تولید آب‌آلبالویش بیشتر نیست!» (I21)

دوم، نگرش آن‌ها به نفوذ و جاسوسی به سبک جنگ سرد است (I15)، درحالی‌که روش سازمان‌های امنیتی دولت‌های متخاصم ایران، برقراری جریان‌ات اجتماعی و اقتصادی و بسترسازی ارگانیک برای وابستگی دیگر کشورهاست، نه اینکه «مثلاً به آقای زاکربرگ بگویند که تو باید بروی و فیس‌بوک را تأسیس کنی» (I30). بنابراین، تئوری نفوذ بیشتر بهانه‌ای برای کنارزدن افراد غیرخودی است (I29, I30).

این نهادها با وجود برخورد اولیهٔ سلبی با زیست‌بوم، اکنون به دنبال کسب سهم و ورود به آن هستند (I30). آن‌ها تصور می‌کردند می‌توانند طرف‌های خارجی را از سهام‌داری زیست‌بوم خارج کنند، اما خارجی‌ها به‌علل گوناگون تمایلی به این کار ندارند (I12, I21) و این نهادها مانع ورود کسب‌وکارهای زیست‌بوم به بورس می‌شوند (I30).

قربانی

روایت همپایی دو دسته قربانی را برمی‌شمرد. دستهٔ اول بخش‌هایی از حاکمیت هستند که به سبب تلاش برای

۳-۱-۲-۲. شخصیت‌ها

قهرمان

قهرمانان روایت ثروت‌آفرینی متشکل از افراد و نهادهایی هستند که در شکل‌دهی، توسعه و شبکه‌سازی برای زیست‌بوم استارت‌آپی کشور نقش داشته‌اند. نکته مهم در مورد این قهرمانان یکدست‌نبودن و متکثربودن آن‌هاست (I18). می‌توان به ترتیب زمانی قهرمانان روایت ثروت‌آفرینی را بیان کرد:

اولین دسته از این قهرمانان، کارآفرینان جوان دهه ۱۳۸۰ بودند که با راه‌اندازی اولین شرکت‌های IT با الگوی درآمدی B2C آغازگر فرایند شکل‌گیری زیست‌بوم شدند (I18, I21, I23). هرچند که تا اوایل دهه ۱۳۹۰ و سرمایه‌گذاری جدی بر آن‌ها، نتوانستند به رشد در مقیاس برسند (I18). دسته دوم شبکه‌ای از افراد بودند که اولین «آخر هفته‌های استارت‌آپی» و جشنواره‌های «وب و موبایل» را برگزار کردند (I12, I18). برخی از افراد نیز که برای برقراری شبکه بین‌المللی برای توسعه زیست‌بوم بسیار تلاش کردند و سه کنفرانس موسوم به «پل» را برگزار کردند، در این دسته جای می‌گیرند (I26, I31).

گروه سوم قهرمانان این روایت سرمایه‌گذارانی بودند که در اوایل دهه ۱۳۹۰ وارد این عرصه شدند (I18). مؤثرترین VC زیست‌بوم استارت‌آپی ایران در ۱۳۹۱ با سرمایه‌گذاری مشترک بین سرمایه‌گذاری ایرانی در خارج از کشور و صندوق بازنشستگی یکی از بانک‌های بزرگ دولتی ایرانی تأسیس شد (I12). وضع اصطلاح «زیست‌بوم استارت‌آپی» یا «زیست‌بوم کارآفرینی» در همین دوره صورت گرفت (I18).

«او در اواخر دهه ۱۳۸۰ به ایران می‌آید و این‌طور که می‌گویند به‌عنوان نماینده شرکت شروع می‌کند شرکت‌های ایران را دیدن و بررسی کردن و می‌بیند پتانسیل وجود دارد... می‌خورد به تحریم‌ها. اینجا شرکت عقب می‌کشد و او خودش تصمیم می‌گیرد شخصاً وارد شود، چون پتانسیل را جذاب می‌بیند و سرمایه‌گذاری می‌کند.» (I12)

به‌جز چند مورد محدود، رشد و گسترش زیست‌بوم‌های بزرگ دیگر، مرهون سرمایه‌گذاری در این VC است. (I12) به‌لحاظ تجاری، هدف از این VC رشدیافتن کسب‌وکارهای IT ایرانی تا حدی بود که مانند بسیاری از کسب‌وکارهای مشابه در سطح دنیا، گول‌های بین‌المللی بخش عمده سهام ایشان را بخرند (I15, I21, I33).

شناخته‌شده‌ترین و مؤثرترین شتاب‌دهنده ایران نیز توسط همین VC در سال ۹۳ و با همکاری یکی از پارک‌های علم و فناوری دولتی مستقر در اطراف تهران تأسیس شد و برای اولین بار سطح و کیفیتی بین‌المللی را در محیط کاری، دوره‌های شتاب‌دهی و روش سرمایه‌گذاری عرضه کرد (I6, I12). دو VC دیگر نیز

تثبیت‌شده و سرمایه‌گذاران و مالکان پلتفرم‌های بزرگ کشور، می‌توانند موجب اختلال شدید در نظم عمومی شود (I3).

۳-۱-۲. روایت ثروت‌آفرینی

اصحاب روایت ثروت‌آفرینی، عمدتاً متشکل از بازیگران خصوصی فعال در زیست‌بوم استارت‌آپی، مانند کسب‌وکارها، شتاب‌دهنده‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و موارد دیگرند (I6, I8, I12, I13, I18, I28, I29).

۳-۱-۲-۱. زمینه

محور اصلی روایت ثروت‌آفرینی فرارسیدن دوره جدیدی از کسب‌وکارها با منطق رشد متفاوت است که سرمایه‌گذاری بر آن‌ها با وجود خطر بالا، در صورت موفقیت به سوددهی چندبرابری یا اصطلاحاً «نمایی» می‌رسد (I12). نکته مهم در عمده کسب‌وکارهای این نسل، ابتدای آن‌ها بر فناوری IT و ارائه محصولات و خدمات فناورانه در این زمینه است (I30).

این نسل از کسب‌وکارها در زیست‌بوم استارت‌آپی ایران از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ با شتاب مثبتی رشد یافت، ولی پس از آن بر اثر چندین عامل راکد ماند (I18). با وجود سرمایه‌گذاری اندک صورت‌گرفته بر آن، حجم بازار، سطح فروش و درآمد کسب‌وکارهای این زیست‌بوم بسیار بالاست (I18).

از منظر روایت ثروت‌آفرینی با وجود تمام مشکلات، در سال‌های آتی تبدیل شدن گول‌های زیست‌بوم به بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور را شاهد خواهیم بود (I12, I18, I29, I30) و هم‌اکنون مانع اصلی در توسعه زیست‌بوم، تحریم‌های بین‌المللی است که به واردنشدن سرمایه‌های خارجی به کشور منجر شده است (I6).

«... قبل از [تحریم‌ها] داشتند عشق و حال می‌کردند... انسداد بین‌المللی که اتفاق افتاد، رشدی که تا سال ۱۳۹۶ بود [متوقف شد و] یک‌دفعه افولی در زیست‌بوم رخ داد، زیرا که این‌ها طرح کسب‌وکارشان بر اساس سرمایه‌گذاری بین‌المللی شکل گرفته بود، کلاً دچار مشکل شدند.» (I6)

دسترسی‌نداشتن به بازارهای بین‌المللی، صرفه سرمایه‌گذاری در توسعه بسیاری از فناوری‌ها و کسب‌وکارها را از بین می‌برد و عملاً سقف رشد زیست‌بوم را بسیار کوتاه می‌سازد (I8, I25). همچنین به‌علت نوسانات شدید اقتصادی در سال‌های اخیر، اختلاف شدید حقوق و دستمزد و سرخوردگی از امکان فعالیت موفق، نیروی انسانی ماهر زیست‌بوم تمایل شدیدی به مهاجرت پیدا کرده است و پدیده مهاجرت کاری و مهاجرت استارت‌آپ‌ها را شاهدیم (I5, I12, I18).

حذف افراد غیرخودی از بخش‌های آینده‌دار اقتصاد کشور بود (I2). زیرا که حامیان آن در ابتدا ادعا می‌کردند که شرکت‌های مولود زیست‌بوم صرفاً برای نمایش هستند (I29)، اما پس از رشد جدی زیست‌بوم، خودشان در تلاش‌اند تا سهام شرکت‌های بزرگ زیست‌بوم را به قیمت اندکی بخرند (I17). نتیجه این ورود نابجا در زیست‌بوم و حذف افراد اصیل و خلاق آن، چیزی جز ضعف و رکود زیست‌بوم نبوده است (I6, I8).

قربانی

از منظر روایت ثروت‌آفرینی، دسته اول قربانیان سیاست‌های اعمال‌شده بر زیست‌بوم استارت‌آپی، افراد و نهادهای خصوصی و عمومی فعال در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی بودند. دسته دوم ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی بودند که هر دوی این گروه‌ها بر اثر تحریم‌های اقتصادی و ورودهای امنیتی صورت‌گرفته در زیست‌بوم مشکلات فراوانی را متحمل شدند (I3, I12, I18, I30).

۳-۲-۱-۳. نتیجه اخلاقی

دال مرکزی نتیجه اخلاقی مدنظر روایت ثروت‌آفرینی، لزوم تقویت و حمایت از کارآفرینان متکثر و مستقلی است که می‌توانند آینده زیست‌بوم کارآفرینی کشور را تضمین کنند (I12, I23). همچنین لازم است برای جلوگیری از خروج سرمایه از زیست‌بوم، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان موفق فعلی زیست‌بوم به سرمایه‌گذاری مجدد در آن ترغیب شوند (I30) و در کنار آن تلاش شود با خلق راه‌هایی به‌منظور ارتباط مثبت با ایرانیان خارج از کشور، از ثروت عظیم آن‌ها برای توسعه زیست‌بوم استفاده شود (I29).

از منظر این روایت، یگانه راه‌حل آغاز دوباره شتاب رشد در زیست‌بوم کارآفرینی ایران، رفع انسدادات بین‌المللی (تحریم‌ها) و داخلی زیست‌بوم (بی‌اعتمادی) است (I8, I25).

«نکته مهم درباره استارت‌آپ‌های موفق در دنیا این است که بیزینس‌پلن خود را برای گستره بین‌المللی چندمیلیاردنفره می‌نویسند، ولی اینجا تو برای ۷۰ میلیون با ضریب نفوذ تکنولوژی ۱۰ درصد و اینویتور ۵ درصد می‌نویسی که در نهایت بازار تو می‌شود ۲ الی ۳ میلیون نفر پس... [صرفه] اقتصادی اساساً وجود ندارد.» (I25)

مسئله مهم دیگر از منظر روایت ثروت‌آفرینی، امکان‌پذیر شدن ورود شرکت‌های بزرگ زیست‌بوم به بورس اوراق بهادار و تکمیل چرخه سرمایه‌گذاری در زیست‌بوم است (I12). این مسئله به این علت اهمیت فراوانی پیدا کرده است که به سبب ممکن نبودن خروج سرمایه‌گذاران از شرکت‌های زیست‌بوم، امکان سرمایه‌گذاری دوباره ایشان در زیست‌بوم وجود ندارد و زیست‌بوم دچار انجماد سرمایه شده است (I30).

در ۱۳۹۳ شکل گرفتند، مورد اول VC با سرمایه‌گذاری ایرانی بود و دیگری که نقش مهمی در توسعه صنعت تاکسی‌رانی برخط (آنلاین) داشت، با سرمایه‌گذاری کاملاً خارجی پدید آمد (I18, I30). از منظر روایت ثروت‌آفرینی ورود سرمایه‌های خارجی به ایران از راه‌های قانونی بوده است و نمی‌توان گفت که منشأ پول‌های سرمایه‌گذاری‌شده در زیست‌بوم، صنعت خدمات ارزش‌افزوده است (I8, I32).

دسته چهارم قهرمانان روایت ثروت‌آفرینی نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی ایران هستند که با حمایت از زیست‌بوم در لایه‌های مختلف مشروعیت‌بخشی، حکمرانی و سرمایه‌گذاری مستقیم کمک فراوانی کردند (I8, I18). همین دسته چهارم بودند که پس از ۱۳۹۶ با حفظ حمایت‌های بخش عمومی، حیات زیست‌بوم استارت‌آپی را تداوم بخشیدند (I30).

تبهکار

دسته اول تبهکاران روایت ثروت‌آفرینی دولت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا هستند که با اعمال تحریم‌های جدی بر ایران از ۱۳۹۶ انسداد بین‌المللی، بلوکه‌شدن سرمایه‌های خارجی جذب‌شده در ایران و امکان‌نداشتن جذب سرمایه جدید در زیست‌بوم را باعث شدند (I6, I12, I18, I23, I30).

دسته دوم از تبهکاران این روایت، برخی از افراد بودند که با وجود نقش مهم‌نداشتن در توسعه آن، حساسیت‌های امنیتی و رسانه‌ای بر زیست‌بوم را باعث شدند (I18). این افراد فقط با برخی از افراد زیست‌بوم برای برگزاری برنامه‌های بین‌المللی ارتباط گرفتند و به این علت خسارات فراوانی به زیست‌بوم وارد شد (I29).

دسته سوم تبهکاران از منظر این روایت، دستگاه‌های امنیتی بودند که با حساسیت بیش‌ازحد، باعث ضعف و رکود زیست‌بوم شدند (I8, I12). نقطه آغاز این حساسیت فضای فرهنگی متفاوت زیست‌بوم با استاندارد حاکمیت بود، ولی با جدی‌شدن فضای اقتصادی زیست‌بوم، این نهادها نیز ورود تصدی‌گرایانه و سلبی به زیست‌بوم را آغاز کردند. ماهیت رسانه‌ای و ارتباطات خارجی گسترده بنیان‌گذاران نسل اول زیست‌بوم و کنفرانس‌های «پل» ابعاد این مسئله را گسترش می‌داد (I3, I8, I12, I18). در این نهادها بر اساس چند عکس رسمی و غیررسمی و با توهم وجود شبکه‌ای سازمان‌یافته، ادعا می‌شد که قصد نفوذ اقتصادی، فرهنگی و فنی در کشور وجود دارد (I18, I23, I29).

از منظر روایت ثروت‌آفرینی، نفوذ در واقع یگانه بهانه‌ای برای

۱. صنعت خدمات ارزش‌افزوده (VAS) در دهه گذشته شمسی در ایران به موضوعی پرمنافشه تبدیل شد و بسیاری بر این باورند که بازیگران این صنعت، به‌طور روشنند با ارائه خدمات خود از عموم مردم کلاهبرداری کرده‌اند و به همین سبب برخی زیست‌بوم استارت‌آپی را متهم می‌کنند که مبتنی بر سرمایه حاصل از این صنعت رشد کرده است.

سرمایه‌گذاران خارجی از حضور در بازار ایران، نمی‌توانسته بعد اقتصادی باشد (I21, I27, I28) و در واقع علت اصلی حضور آن‌ها، فهم این مسئله بوده است که آینده حکمرانی کشورها از طریق پلتفرم‌های برخط (آنلاین) و غول‌های فناوری مالک آن‌ها خواهد بود (I12, I21). این سرمایه‌گذاری به همراه وضع زیرساخت زیست‌بوم استارت‌آپی برای شروع از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و رساندن آن‌ها به ابعاد بسیار بزرگ (اسب‌های تک‌شاخ یا یونیکورن‌ها)، قرار بود تا در نهایت شبکه مشخصی را بر آینده حکمرانی کشور مسلط سازد (I6, I27, I30).

«یک شبکه نفوذ جدی دارد شکل می‌گیرد، هرچه هم جلوتر می‌رود، سنگین‌تر می‌شود. حاکمیت آینده حاکمیت شرکت‌ها و پلتفرم‌هاست... مثلاً شما هیچ کاری در مقابل پلتفرم‌های تاکسی آنلاین نمی‌توانید کنید. آن است که تعیین می‌کند قیمت‌ها چگونه باشد، رفت‌وآمد چگونه است... پس طبیعی است که همچنین چیزی که پتانسیل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حکمرانی دارد طمع خارجی‌ها را برانگیزاند... تعارف هم نداریم. آمدند و [خیلی کارها] کردند.» (I21)

از منظر روایت نفوذ، برخی جریان‌های سیاسی داخلی با گفتمان اقتصاد دانش‌بنیان از طریق نمونه فعلی توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی کشور، دو خسارت بزرگ پدید آورده‌اند. خسارت اول، غلبه نگرش‌های اقتصادی به توسعه علم و فناوری در نهادهایی مانند دانشگاه‌هاست که قرار نبود عهده‌دار توسعه اقتصادی باشند (I22).

خسارت دوم، واقعی نبودن توسعه زیست‌بوم و ابتدای آن بر رانت بخش عمومی و درآمد نفتی است؛ به نحوی که اگر حمایت بخش دولتی از شرکت‌های دانش‌بنیان قطع شود، بیش از ۹۰ درصد این شرکت‌ها دیگر نمی‌توانند فعالیت خود را ادامه دهند (I11, I24).

«کلاً تأثیر این اقتصاد دانش‌بنیان در تولید ناخالص ملی ناچیز است و از حدود ۴۰۰۰ شرکت دانش‌بنیانی که ثبت شده است فقط ۱۷۰-۱۸۰ شرکت، درست و حسابی کار می‌کنند.» (I11)

در روایت نفوذ زیست‌بوم دانش‌بنیان و استارت‌آپی بیشتر جایی برای نمایش و کسب رانت نفتی شناخته می‌شود که مجموع کسب‌وکارهای آن در مقابل بخش‌های بزرگ اقتصاد کشور مانند مسکن، پتروشیمی، معادن و دیگر موارد بسیار کوچک هستند (I9, I10, I21, I24). دخیل نبودن این زیست‌بوم در بخش تولید و متمرکز شدن صرف بر خدمات برخط (آنلاین) و نیز حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط که نمی‌توانند پیشران توسعه قدرت کشور باشند، ضعف دیگر مسیر توسعه زیست‌بوم است (I11, I24, I25).

در واقع سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان و زیست‌بوم

نتیجه اخلاقی آخر این روایت، لزوم جایگزینی ورود تصدی‌گرایانه حاکمیت به زیست‌بوم با ورودی تنظیم‌گرایانه است (I8). در واقع حاکمیت می‌تواند به جای راه‌اندازی بنگاه‌های رانتی در زیست‌بوم و آسیب به رشد ارگانیک آن، با مشوق‌ها و تنظیماتی مانع وقوع مخاطرات امنیتی، اقتصادی و اجتماعی شود (I2, I28, I30).

۳-۱-۳. روایت نفوذ

حامیان روایت نفوذ بیشتر در نهادهای حاکمیتی غیردولتی هستند که به لحاظ سیاسی در جریان رقیب ائتلاف حامی روایت همپایی قرار دارند و در فرایند توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ذی‌نفع نیستند (I5, I7, I10, I11, I17, I21, I24, I25, I27). حامیان این روایت عموماً مخالف منطق توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی‌اند و آن را نزدیک به اهداف مورد ادعای حامیان سبک کنونی توسعه‌اش نمی‌دانند (I5, I10, I24, I27).

۳-۱-۳-۱. زمینه

در روایت نفوذ تعریفی متفاوت با دو روایت قبلی از توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ارائه می‌شود. مطابق این روایت نقطه آغاز ماجرا، به سال ۱۳۸۵ و پس از حمله آمریکا به عراق برمی‌گردد که در نتیجه هزینه‌های فرسایشی جنگ، سردمداران امریکا تصمیم می‌گیرند استراتژی خود را برای نفوذ در کشورهای مسلمان تغییر دهند (I27). در ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) اوپاما با سخنرانی خود در قاهره، رسماً سیاست «دیپلماسی علمی» ایالات متحده آمریکا را اعلان کرد:

«در مورد علم و فناوری... ما در آفریقا، خاورمیانه و جنوب شرق آسیا مراکز ممتاز علمی تشکیل می‌دهیم و فرستادگان علمی جدیدی را برای همکاری در برنامه‌های علمی نوینی منصوب می‌کنیم که به توسعه منابع جدید انرژی، ایجاد مشاغل سبز، دیجیتال‌سازی اسناد و رکوردها، آب پاکیزه و کشت محصولات جدید منجر خواهند شد» (Flatten, 2009).

از منظر روایت نفوذ، جوانان پیشگام ایرانی کسب‌وکارهای مبتنی بر IT را راه‌اندازی کردند، اما تا پیش از حمایت از سوی جریان مالی گسترده خارجی در اوایل دهه ۱۳۹۰ و به‌ویژه ایرانیان خارج از کشور به رشد در مقیاس نرسیده بودند (I21). این گروه با استفاده از فرصت مذاکرات دولت جدید در ۱۳۹۲ با ۱+۵ و در قالب دیپلماسی علمی امریکا در صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران سرمایه‌گذاری کردند (I27, I29). منشأ بخش عمده سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته در زیست‌بوم، پول کثیف حاصل از سرویس‌های ارزش‌افزوده و پول‌های مربوط به پول‌شویی بوده است (I12).

از منظر این روایت، بر اساس خطرپذیری بالای سرمایه‌گذاری در ایران و جذابیت کم اقتصاد کشور، انگیزه اصلی

استارت‌آپی در ایران، مانند «گچ‌کاری روی ساختمانی است که از پایه و اساس نقص و مشکل دارد» و این گچ‌کاری صرفاً برای پوشاندن آن ایرادات اساسی صورت گرفته است (I7).

از منظر این روایت، موج شکل‌گرفته روی مفاهیمی مانند زیست‌بوم استارت‌آپی، چیزی جز تقلید سطحی از روندی جهانی نیست که حتی کسب‌وکارهای موفق آن همگی کپی نمونه‌های کسب‌وکار موفق خارجی هستند که به همین سبب امکان فعالیت در خارج ایران را ندارند (I5). همچنین برخلاف ادعای جلوگیری از خروج نخبگان، زیست‌بوم با فراهم‌آوردن زیرساخت مهاجرت شغلی، در این امر تسهیلگری کرده است (I5, I13).

۱-۳-۲. شخصیت‌ها

قهرمان

قهرمان اصلی روایت نفوذ سازمان‌هایی هستند که هرچند دیر هنگام، ولی به‌طور مؤثر به زیست‌بوم استارت‌آپی وارد شدند و زیست‌بوم را از عناصر نفوذی خارجی پاک‌سازی و فعالیت بخش‌هایی از حاکمیت را محدود کردند که عمده‌اً یا سهواً در حال تکمیل فرایند نفوذ بودند (I3, I18, I21). سبک غربی برنامه‌های زیست‌بوم نقطه شروع جلب‌توجه در این نهادها بود، ولی با برگزاری رویدادهای «پل» و حضور مستقیم افراد و نهادهای ضد نظام سیاسی کشور در آن‌ها و شرایط امنیتی و درگیری مستمر قدرت‌های جهانی با ایران، متوجه اهمیت حیاتی این زیست‌بوم به‌مثابه محمل نسل‌آتی حکمرانی در کشور شدند (I27, I28, I29). البته این نحوه از ورود درکل موفق نبود و نتوانست مالکیت خارجی را کاملاً از زیست‌بوم استارت‌آپی ایران حذف کند (I12).

تبهکار

تبهکاران روایت نفوذ از دو دسته اصلی تشکیل شده‌اند. دسته اول شبکه‌ای بودند که به‌قصد نفوذ و در دست‌گرفتن نسل آینده حکمرانی در ایران، به سرمایه‌گذاری و توسعه در زیست‌بوم استارت‌آپی مشغول شدند (I27). این شبکه متشکل از افراد و نهادهای خارجی و بعضاً بخش خصوصی داخلی بودند که هم‌زمان با تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران کارشان را شروع کردند (I3, I23). برگزاری رویداد دوم «پل» در سال ۱۳۹۴ نقطه اوج فعالیت آن‌ها بود که البته بر اثر آگاهی بخشی رسانه‌ای و تصفیه زیست‌بوم در سال‌های آتی و بازگشت تحریم‌ها، این جریان ضعیف شد (I27, I29). البته همه این افراد جزوی از شبکه نفوذ نبودند، ولی آگاهانه یا ناآگاهانه در راستای منافع دشمن گام برمی‌داشتند (I27).

«آیا این‌ها همه عامل دشمن‌اند؟ خیر. نسبت‌ها متفاوت است، یکی بی‌زینس من است، یکی کار علمی می‌کند، یکی کاسب است و این‌ها هم‌افزا می‌شوند با هم، ولی به این معنی نیست که یکی

هستند و گاهی نیز ممکن است کسی شکل فکری‌اش متفاوت باشد و کاری هم با دشمن ندارد، ولی در زمین بازی دشمن دارد بازی می‌کند.» (I27)

دسته دوم تبهکاران این روایت متشکل از دو بخش عمومی دولتی و غیردولتی است. بخش عمومی غیردولتی با تصور لزوم همراهی با روند جهانی توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و بهره‌گرفتن از اعتماد ویژه حاکمیت به خود، در زیست‌بوم سرمایه‌گذاری گسترده‌ای کرد (I29, I30). از منظر روایت نفوذ، فعالیت‌های این بخش با وجود هدف مثبت، به‌سبب تلاش برای گسترش ارتباطات بین‌المللی به قدرت‌گرفتن جریان نفوذ منجر شده است (I21). اما بخش عمومی دولتی مذکور، از گذشته خود را مالک انحصاری عرصه علم و فناوری در کشور می‌دانست (I5, I7, I10) و با سوءاستفاده از موج «اقتصاد دانش‌بنیان» و «استارت‌آپ» فعالیت‌های خود را گسترش داده و با جریان نفوذ همکاری کرده است (I1, I9, I27) و برای مخفی کردن ورشکستگی و غیراقتصادی بودن عمده «شرکت‌های دانش‌بنیان»، علاوه بر اضافه کردن شرکت‌های بی‌ارتباط به فهرست دانش‌بنیان‌ها، سالیانه مقادیر بسیاری از صندوق ذخیره ارزی به‌منظور تزریق در این شرکت‌ها برداشت می‌کند (I11, I24, I30).

قربانی

دسته اول قربانیان از منظر روایت نفوذ، جوانان فعال در زیست‌بوم بودند که با افول زیست‌بوم ناامید شدند و بسیاری از آن‌ها مهاجرت کردند (I25). بخشی از این اتفاقات ریشه در رشد بادکنکی و غیرواقعی زیست‌بوم (I28) و بخش دیگر، ریشه در تبلیغات بیش‌ازحد و تخیلی از موفقیت در آن داشت (I1, I13, I21). منطق ذاتی در زیست‌بوم استارت‌آپی مبنی بر شکست عمده استارت‌آپ‌ها، زمینه را برای سرخوردگی و مهاجرت بسیاری از فعالان زیست‌بوم فراهم کرده است (I28). قربانی دوم روایت نفوذ کلیت نظام سیاسی کشور است که در بخش‌هایی از حکمرانی به‌ویژه پلتفرم‌های خدمات برخط (آنلاین)، قدرت تنظیم‌گری و حکمرانی خود را تقریباً از دست داده است و در صورت مداخله‌نکردن قهرمانان روایت نفوذ، می‌توانست این توانایی را کلاً از دست بدهد (I21, I27).

۱-۳-۳. نتیجه اخلاقی

پیشنهاد اصلی در روایت نفوذ متمرکز شدن حاکمیت بر توسعه «علم‌اقتدارآفرین» به جای پول‌پاشی بر «اقتصاد دانش‌بنیان» است (I22). درواقع وظیفه اصلی دولت سرمایه‌گذاری مستقیم روی علوم پایه و کاربردی است و نه تزریق پول در بخش تجاری‌سازی فناوری (I۲۲). تفکر در زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران فقط سرمایه‌گذاری بر پلتفرم‌های ارائه خدمات برخط (آنلاین) است

جدول ۱: روایت‌های اصلی شناسایی شده به تفکیک اجزای روایت

نمود	ثروت آفرینی	همپایی
<p>- توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی شکل جدید عملیات نفوذ دشمن بود تا با در دست گرفتن پلتفرم‌های برخط (آنلاین)، در آینده حکمرانی کشور را در دست بگیرند.</p> <p>- جریان‌ات سیاسی داخلی حامی توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی به‌دنبال استفاده از موج جهانی شکل گرفته و جذب رانت بیشتری.</p> <p>- حمایت‌های صورت گرفته از توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی و دانش‌بنیان بیشتر نمایشی است و به همین سبب باعث ناامیدی جوانان می‌شود.</p>	<p>- نسل جدید کسب‌وکارها بر سرمایه‌گذاری‌های با خطرپذیری بالا و سودآوری چندبرابری در استارت‌آپ‌ها مبتنی هستند.</p> <p>- بازار بکر ایران می‌توانست محلی برای جذب سرمایه‌گذاری بر زیست‌بوم استارت‌آپی باشد.</p> <p>- با وجود تمام محدودیت‌ها و تحریم‌ها، همین سرمایه‌گذاری اندک صورت گرفته در ایران موفقیت‌آمیز بوده است و بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور در سال‌های آتی وضع شده است.</p>	<p>- توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی روندی جهانی است.</p> <p>- نسل آتی حکمرانی از طریق پلتفرم‌های ارائه خدمات برخط (آنلاین) است.</p> <p>- توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی به توسعه کشور و اقتدار نظام سیاسی از طریق گسترش شرکت‌های فناوری و دانش‌بنیان می‌تواند منجر شود.</p> <p>- توسعه این زیست‌بوم از طریق ارتباطات بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال دانش و تجربه ممکن است.</p>
<p>- دستگاه‌ها و نهادهایی که با آگاهی به‌دست‌آمده پس از وقایع سال ۱۳۸۸، هرچند دیر ولی به‌صورت مؤثر با تحرکات رسانه‌ای و عملیاتی توانستند زیست‌بوم استارت‌آپی کشور را تصفیه کنند و حرکت‌های مخاطره‌ساز برای امنیت ملی کشور را محدود سازند.</p>	<p>- کارآفرینانی که اولین کسب‌وکارهای BtoC مبتنی بر IT را بنیان گذاشتند و شکل‌دهندگان اولین استارت‌آپ و یکندها و جشنواره وب و موبایل.</p> <p>- سرمایه‌گذاران خارجی، ایرانیان مقیم خارج و داخلی که اولین VCها و شتاب‌دهنده‌ها را پدید آوردند و ادبیات «زیست‌بوم استارت‌آپی» را بر نهادند.</p> <p>- بخش‌های عمومی دولتی و غیردولتی حامی توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی.</p>	<p>- بخشی از دولت که توانست با مشروعیت‌بخشیدن نزد حاکمیت و برقراری زمینه همکاری با سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی زیست‌بوم به توسعه و رشد آن کمک کند.</p> <p>- بخشی از نهادهای عمومی غیردولتی که در اوایل شکل‌گیری زیست‌بوم توانستند با سرمایه‌گذاری نهادهای عمومی غیردولتی، زیست‌بوم را به مرحله جدیدی از سرمایه‌گذاری وارد کنند و همچنین با جلب اعتماد حاکمیت به شبکه‌سازی بین‌المللی به زیست‌بوم استارت‌آپی ایران کمک فراوانی کردند.</p>
<p>- طرف‌های خارجی (دولت‌ها، سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان مقیم خارج) که به بهانه سرمایه‌گذاری در زیست‌بوم استارت‌آپی کشور، قصد نفوذ در کشور را داشتند.</p> <p>- معتمدان و عوامل داخل حاکمیت و دولت که برای گسترش منافع خودشان و تفکرات غلط راه را برای ورود نفوذی‌ها باز کردند.</p>	<p>- دولت آمریکا که با اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه، باعث فرار سرمایه‌های خارجی از ایران شد.</p> <p>- برخی از افراد غیرمطمئن که با نمایش ارتباط با زیست‌بوم حساسیت‌نهادهای امنیتی را برانگیختند.</p> <p>- دستگاه‌ها و نهادهایی که با تئوری نفوذ و به بهانه ارتباطات مشکوک با خارج، به‌صورت سلبی و تصدی‌گرایانه در زیست‌بوم مداخله کردند.</p>	<p>- دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی که با تصور منفی از هرگونه ارتباط و سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین منافع سیاسی و اقتصادی خود، در زیست‌بوم استارت‌آپی مداخله کردند و باعث ضعف آن شدند.</p>
<p>- جوانانی که به امید راه‌اندازی کسب‌وکار و ثروتمند شدن، وارد زیست‌بوم استارت‌آپی شدند، اما به‌سبب ضعف درونی و نمایشی بودن آن، دچار شکست و ناامیدی شدند.</p> <p>- کلیت نظام سیاسی و حاکمیت ایران که بر اثر نفوذ در توانایی حکمرانی و تنظیم‌گری خود در برخی عرصه‌ها ضعیف شد و در صورت تداوم آن، به‌کل قدرت خود را از دست می‌داد.</p>	<p>- افرادی که برای برقراری ارتباط و بازگشت ایرانیان خارج از کشور، به تلاش برای نفوذ متهم شدند.</p> <p>- سرمایه‌گذارانی که سرمایه‌های خود را برای سرمایه‌گذاری در ایران آورده بودند و هم از داخل و هم از خارج معضلات و مشکلات بسیاری را متحمل شدند.</p>	<p>- فراد و نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی که به‌سبب تلاششان به‌منظور توسعه زیست‌بوم و شبکه‌سازی برای آن، برجسب نفوذی خوردند.</p> <p>- سرمایه‌گذاران و کارآفرینان خارجی و ایرانیان مقیم خارج و داخل در زیست‌بوم که علاوه بر خسارت مالی بعضاً متهم، دستگیر و یا از کشور اخراج شدند.</p>
<p>- تمرکز حاکمیت بر توسعه «علم اقتدارآفرین» به‌جای سرمایه‌گذاری بر «اقتصاد دانش‌بنیان».</p> <p>- بازتخصیص منابع پژوهشی کشور به‌منظور امکان‌پذیرکردن سرمایه‌گذاری دولت بر علوم پایه و کاربردی.</p> <p>- جلوگیری از توسعه شکل فعلی زیست‌بوم استارت‌آپی در کشور و آماده‌سازی زیرساخت‌ها برای ورود به نسل بعدی کسب‌وکارهای مبتنی بر افزونه‌های فناورانه.</p>	<p>- تقویت و حمایت از بخش خصوصی متکثر و کارآفرینان شاخص، برای امکان رشد زیست‌بوم در آینده.</p> <p>- تلاش برای رفع انسداد بین‌المللی و داخلی به‌منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی و خروج زیست‌بوم از رکود.</p> <p>- امکان وارد شدن کسب‌وکارهای بزرگ زیست‌بوم در بورس به‌منظور تکمیل چرخه سرمایه‌گذاری در زیست‌بوم.</p> <p>- ورود نهادهای نظارتی به زیست‌بوم در جایگاه تنظیم‌گری به‌جای ورود تصدی‌گرایانه در آن.</p>	<p>- حاکمیت باید به‌جای واکنش انفعالی در برابر روندهای جهانی، کنش پیش‌دستانه برای همگامی با این روندها داشته باشد.</p> <p>- سیاست‌گذاری در نظام باید به‌صورت همپایی با موج زیست‌بوم‌های استارت‌آپی، به‌منابئه محمل قدرت حکمرانی در آینده باشد.</p> <p>- اگر حاکمیت خواهان حفظ قدرت حکمرانی خود در عصر ارتباطات است، باید از بند ساختارهای سنتی حکمرانی رها شود.</p> <p>- نظارت امنیتی بر زیست‌بوم باید به‌جای تصدی‌گری از طریق تنظیم‌گری و طراحی زمین بازی صورت بگیرد.</p>

که دیگر به انتهای مسیر رشد خود رسیده است و باید جلوی توسعه بدون توجه آن را گرفت (I5, I21) و با انتخاب درست چند عرصه علم و فناوری و بازتوزیع منابع پژوهشی کشور و سرمایه‌گذاری روی آن‌ها، زمینه را برای ورود به نسل بعدی کسب‌وکارها یعنی کسب‌وکارهای مبتنی بر افزونه‌های فناورانه مانند هوش مصنوعی فراهم کرد (I21, I22).

۴. تحلیل

۴-۱. مشخصه‌های نسبی روایت‌های سیاستی

با تحلیل از مشخصه‌های نسبی روایت‌های سیاستی (نقاط قوت، معتمدان، غفلت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری)، تصویری از ظرفیت هریک از روایت‌ها برای متقاعدکننده‌بودن و کاربست مؤثرش ارائه می‌شود. در واقع ائتلاف حامی هریک از روایت‌ها می‌تواند برای افزایش احتمال پیروزی‌اش در میدان سیاستی، بر نقاط قوتش تأکید بیشتری داشته باشد و از معتمدینش حمایت بیشتری کند و در مقابل از شناخت غفلت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری‌اش به منزله فرصتی برای یادگیری و اصلاح منطق روایت خود بهره ببرد (Ney, 1974; Hecl, 2014).

۴-۱-۱. روایت همپایی

۴-۱-۱-۱. نقاط قوت

در روایت همپایی بر لزوم همراهی با روندهای جهانی تأکید می‌شود. وجود ادبیات دانشگاهی و غیردانشگاهی گسترده در پشتیبانی از توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و اثربخشی آن‌ها بر رشد اقتصادی کشورها، نقطه‌قوتی برای این روایت است (I12, I14). این مسئله هزینه‌های توسعه زیست‌بوم را موجه جلوه می‌دهد و موجب می‌شود حتی مخالفان توسعه آن، در زیست‌بوم و برای خرید سهام شرکت‌ها هزینه‌های فراوانی کنند (I16, I29, I30). ابتدای این روایت بر ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان و قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، در کنار موارد قبلی، این تصویر را پدید آورد که حامیان آن، طرحی ایجابی برای رشد کشور از این طریق دارند (I27, I31). همکاری مستمر اصحاب روایت همپایی با بخش خصوصی و گسترش نهادهای پشتیبان زیست‌بوم به تقویت این تصویر کمک بسیاری کرده است (I16, I21).

همچنین بر اساس روایت همپایی تصویری روشن از آینده کشور در صورت توسعه زیست‌بوم ارائه می‌شود که قابلیت جذب نخبگان علمی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران فراهم می‌شود (I3, I12). آثار این ظرفیت جذب را می‌شد در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ دید که امید بسیاری برای ورود دوباره و بقای ایران در اقتصاد جهانی وجود داشت (I12, I29). در این روایت با

بهره‌گیری از استراتژی «محدودسازی مسئله» (Jones et al., 2014) تلاش شده است تا روایت توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی و دانش‌بنیان را از موضوعاتی مانند مسائل سیاسی و امنیتی دور نگه داشت و آن را موضوعی صرفاً فناورانه و اقتصادی که در راستای منافع عمومی است، نشان داد (I3, I30). این استراتژی با ورود روایت نفوذ با شکست روبه‌رو می‌شود (I27).

۴-۱-۱-۲. معتمدین

اولین موضوع مورد وثوق در این روایت، صلاحیت مدیران و بدنه بخش‌های عمومی دولتی و غیردولتی حامی توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و دانش‌بنیان در ایران بود (I20). این سازمان‌ها در صورت کم‌تر بودن موانع می‌توانستند با همکاری بخش خصوصی در ایران زیست‌بومی کامل و همانند کشورهای توسعه‌یافته پدید آورند (I26, I29, I30).

موضوع دوم اعتمادپذیری فعالان بخش خصوصی است، که با وجود تمام مشکلات فعالیت در ایران و خطرهای آن وارد بازار نوپای زیست‌بوم استارت‌آپی ایران شدند (I16). به‌ویژه این موضوع در مورد آن‌هایی که پس از ۱۳۹۶ و با وجود تمام خسارات، همچنان در ایران ماندند، صدق می‌کند (I30).

۴-۱-۱-۳. غفلت‌ها

مسئله اصلی که در روایت همپایی از آن غفلت شده است و آن را کم‌رنگ‌تر از حد واقعی جلوه داده است، امکان‌پذیری وقوع نفوذ اقتصادی و امنیتی از سوی کشورهای متخاصم از طریق زیست‌بوم استارت‌آپی است (I21, I27). به حامیان روایت همپایی به سبب نظارت‌نداشتن بر مبدأ پول‌های سرمایه‌گذاری‌شده بر زیست‌بوم استارت‌آپی ایران (به‌ویژه پول‌های خارجی)، انتقاد شده است (I17, I21, I26) و حتی برخی این موضوع را نشانه‌ای از همکاری برخی حامیان این روایت با دشمن می‌دانند (I27).

۴-۱-۱-۴. نقاط آسیب‌پذیری

در این روایت توسعه اقتصادی کشور از طریق گسترش زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و دانش‌بنیان وعده داده شده بود، ولی عملاً، شاهد آن هستیم که هنوز ارتباط مؤثری بین بخش‌های بزرگ اقتصاد کشور (مانند صنعت نفت و خودروسازی) و زیست‌بوم وجود ندارد (I7, I10, I11) و این بیم می‌رود که به‌جز پلتفرم‌های برخط (آنلاین)، زیست‌بوم استارت‌آپی قابلیت تحول در بخش دیگری را نداشته باشد (I3, I22). ادامه این وضعیت امید به اثربخشی جدی زیست‌بوم استارت‌آپی در توسعه اقتصادی کشور و یکی از نقاط قوت اصلی این روایت را از بین می‌برد (I5). نقطه آسیب‌پذیری دوم که اتفاقاً خسارت اصلی را به روایت

بیشتر از سوی ائتلافی استفاده می‌شود که خود را پیروز میدان سیاستی می‌داند (Gupta et al., 2014) و در این پژوهش نیز تا پیش از ورود روایت نفوذ به میدان، این امر صادق است.

۴-۱-۲-۲. معتمدین

فعالان بخش خصوصی در زیست‌بوم استارت‌آپی مورد اعتماد روایت ثروت‌آفرینی هستند (I6). مخصوصاً در این بین دو دسته مورد اعتمادند. دسته اول افرادی‌اند که با وجود خطر فراوان وارد اقتصاد ایران شدند، زیست‌بوم استارت‌آپی را تأسیس کردند و در انتها هم بابت آن متحمل گرفتاری‌های جدی شدند (I29, I30). دسته دوم کسانی هستند که با تمام فشارها، با وجود امکان خروج از کشور و فعالیت در محیطی مساعدتر به کار و فعالیت در ایران ادامه دادند (I6, I18, I31).

۴-۱-۲-۳. غفلت‌ها

وجود برخی بازیگران حاکمیتی با روایت به‌شدت متضاد با روایت ثروت‌آفرینی، موضوع غفلت اصلی روایت ثروت‌آفرینی بود (I30). این غفلت منجر شد تا حامیان آن، تا پیش از ۱۳۹۵ متوجه اهمیت این موضوع نشوند و نتوانند روایت خود را با آن سازگار کنند و در این زمینه خسارات فراوانی دیدند (I18). هرچند که پس از گذشت چند سال و وقوع تغییراتی در روایت نفوذ، روایت ثروت‌آفرینی تا حدی به سازگاری، هرچند ناپایدار، با این روایت رسید (I29, I30).

۴-۱-۲-۴. نقاط آسیب‌پذیری

اولین نقطه آسیب‌پذیری روایت ثروت‌آفرینی در دشواری تحقق رشد در مقیاس زیست‌بوم در آینده حتی در صورت رفع تحریم‌هاست. زیرا که رقبای تثبیت‌شده در همه عرصه‌ها برای کسب‌وکارهای ایرانی وجود دارند (I5, I10, I21) و بیشتر کسب‌وکارهای ایرانی در واقع نمونه‌های کپی‌شده از کسب‌وکارهای موفق بین‌المللی هستند که با وجود نمونه اصلی، آن‌ها هم از لحاظ حقوق مالکیت معنوی و هم جلب نظر مشتریان خارجی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهند شد (I5, I28).

نقطه آسیب‌پذیری دوم این روایت ناسازگاری آن با ایدئولوژی رسمی است که در آن بر استقلال از نظام بین‌المللی و خودکفایی تأکید شده است (I24). این ناسازگاری ارزشی به بی‌اعتمادی متقابل قهرمانان آن و بخش‌های عمده‌ای از حاکمیت منجر می‌شود (I27). هرچند که اصحاب روایت ثروت‌آفرینی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا از این بی‌اعتمادی بکاهند، ولی هنوز هم می‌توان در مواقع بحرانی، نشانه‌های آن را مشاهده کرد (I10, I29). در روایت ثروت‌آفرینی پس از قرارگرفتن در موضع ضعف در برابر روایت نفوذ، تلاش شده است تا با استفاده از

همپایی و زیست‌بوم استارت‌آپی کشور وارد کرد، امکان بازگشت تحریم‌ها بود (I12). رفع تدریجی تحریم‌ها در دوره برجام باعث جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بازگشت بسیاری از افراد به کشور شده بود. با تغییر دولت در امریکا و بازگشت تحریم‌ها، به زیست‌بوم استارت‌آپی ایران ضربه‌ای بسیار سنگین وارد شد و با تلاطم وضعیت اقتصادی - سیاسی ایران، امید به توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی ایران مخدوش شد (I12, I30). در واقع این اتفاقات باعث شد ائتلاف روایت همپایی در به‌کارگیری استراتژی «جابه‌جایی فرشته»^۱ (Shanahan et al., 2013) متحمل شکست شود و مطابق انتظار با تغییر جایگاه این روایت از روایت پیروز به روایت روبه‌شکست، استراتژی روایی آن به «ابداع»^۲ و «جابه‌جایی شیطان»^۳ تغییر کرد (Gottlieb et al., 2018). با این تغییر استراتژی، روایت همپایی توانست در طی چند سال جایگاه سابق خود را تا حدودی بازیابی کند (I25, I30).

۴-۱-۲. روایت ثروت‌آفرینی

۴-۱-۲-۱. نقاط قوت

نقطه‌قوت اول روایت ثروت‌آفرینی سابقه فعالیت حامیانش در زیست‌بوم‌های بین‌المللی بود. آن‌ها توانستند خود را به‌مثابه سفیران آخرین روندهای جهانی مطرح کنند و بر اساس این برتری توانستند اعتماد برخی از نهادهای حاکمیتی را جلب کنند (I12, I21). اتکا به تجربیات جهانی توسعه شرکت‌هایی مانند اپل، گوگل و موارد دیگر و نبودن مفاهیمی مانند استارت‌آپ، صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر، شتاب‌دهنده و مانند این‌ها به شکل‌گیری این نقطه‌قوت کمک فراوانی کرد (I29).

این روایت در خارج از حاکمیت نیز برای اقشار گوناگون جذابیت دارد. دانشجویانی که به راه‌اندازی استارت‌آپ خود علاقه‌مندند، بدنه اصلی شرکت‌کنندگان در رویدادهای زیست‌بوم را تشکیل می‌دهند (I1). سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با رواج این روایت به حضور و فعالیت در زیست‌بوم ایران تمایل پیدا کرده‌اند (I3, I18, I23). با مطرح‌شدن آن در رسانه‌ها، عموم مردم نیز تا حدی به زیست‌بوم علاقه‌مند شده‌اند (I6). این جذابیت عمومی یکی از علل بقای روایت ثروت‌آفرینی و زیست‌بوم استارت‌آپی پس از ۱۳۹۶ با وجود همه مشکلات بود (I6, I30). در واقع این نقطه‌قوت روایت ثروت‌آفرینی متکی بر استراتژی «جابه‌جایی فرشته» (Shanahan et al., 2013)، با تأکید بر توانایی قهرمانان خود برای حل مشکلات اقتصادی و فناوریانه کشور از طریق دانش و تجربه است. مطابق بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در ادبیات NPF، این استراتژی روایی

1. Angel Shift

2. Hersthetics

3. Devil Shift

می‌کند (Gupta et al., 2014) که در مورد روایت نفوذ هم در ابتدای کار صادق است.

۱-۳-۳-۳. غفلت‌ها

اصلی‌ترین بخش مورد غفلت روایت نفوذ امکان‌پذیر نبودن قطع کامل ارتباط زیست‌بوم استارت‌آپی کشور با خارج است (I18, I23, I30). حکم‌شدگی اجتماعی و اقتصادی بالای کسب‌وکارهای زیست‌بوم که مالکیتشان در دست شرکت‌هایی با سهام‌داران خارجی است، تحقق این کار را غیرممکن کرده است (I3, I23).

۱-۳-۴. نقاط آسیب‌پذیری

در روایت نفوذ برای فردای پیروزی‌اش، هیچ طرح و برنامه‌ی جامعی ارائه نشده است (I1). پیشنهادهایی که در این روایت راجع به لزوم سرمایه‌گذاری دولتی در برخی فناوری‌ها در وضعیت اقتصادی نابسامان کشور مطرح شده است، چندان میسر نیست و همچنین بسیار شبیه به مدل‌های مبتنی بر فشار فناوری است که سال‌ها پیش منسوخ شده‌اند (I4, I22, I24). این روایت به سبب همین ضعف، نتوانسته بیشتر از ورود سلبی کاری بکند و اکنون برخلاف ادعاهای سابقش، فقط از زیست‌بوم سهم‌خواهی می‌کند (I18, I29).

نقطه آسیب‌پذیری دیگر روایت نفوذ این است که حتی اگر حذف کامل ارتباطات خارجی زیست‌بوم امکان‌پذیر هم می‌بود، انجام آن موجب ضعف حاکمیت به سبب فروپاشی زیست‌بوم استارت‌آپی می‌شد و این امر برخلاف ادعای این روایت خواهد بود که خود را حامی حاکمیت می‌داند (I3, I26). طبق این مسئله می‌بایست به سبکی دیگر و در سطحی متفاوت در زیست‌بوم مداخله سیاسی و امنیتی صورت می‌گرفت (I15, I28, I29). در واقع روایت نفوذ نمی‌تواند در استراتژی روایی خود «ابداعات» (Jones et al., 2014) جدیدی خلق کند که پس از موفقیت در استفاده از استراتژی‌های «بسط مسئله» و «جابه‌جایی شیطان» و خروج از موضع ضعف، موفقیت نسبی خود را تثبیت کند و در مدت کوتاهی از موضع قدرت کامل خارج می‌شود. این امر به این علت است که استراتژی‌های روایی موفق در زمان ضعف ائتلافی ممکن است در زمان قوت آن کارآمد نباشند و اتفاقاً مانع پیروزی آن در میدانی سیاستی شوند. در برخی از پژوهش‌های انجام‌شده این تغییر در استراتژی‌های روایی بعد از تغییر موقعیت نسبی روایت در میدان سیاستی بررسی شده است (Pattison, 2022).

نتیجه‌گیری

با پژوهش انجام‌شده در این مقاله سه روایت اصلی فعال در میدان سیاست‌گذاری توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی (همپایی، ثروت‌آفرینی و نفوذ) در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ شناسایی شد. برای وصول به تصویری علمی از این روایت‌ها، چهارچوب تحلیلی روایی سیاست (NPF) به کار گرفته شد و ساختار فرمی

استراتژی‌های «ابداع» و «بسط‌دادن مسئله»^۱ (Jones et al., 2014)، اهمیت و تأثیر مثبت آن در حوزه‌هایی مانند اشتغال، توسعه اقتصادی و پیشرفت فناورانه در سطح ملی برای حاکمیت اثبات شود (I6, I31). هرچند که با این استراتژی از موضع ضعف از روایت رقیب نسبتاً خارج شده است، ولی به علل پیش‌گفته هنوز به موفقیت کامل نرسیده است (I18, I25).

۱-۳-۴. روایت نفوذ

۱-۳-۱-۴. نقاط قوت

نقطه‌قوت اول روایت نفوذ سازگاری بالا با گفتمان رسمی استقلال سیاسی و اقتصادی از نظام جهانی، خودکفایی و جایگزینی واردات و نفی لزوم ارتباط با اقتصاد بین‌الملل است (I3, I9, I24). این مختصات به سبب ویژگی مذکور و تضاد عمیق با دو روایت قبلی، موجب واکنش‌های سریع و ضربتی به توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی در ایران شدند (I27).

در روایت نفوذ با توجه به ورود دیرنگامش به میدان، به استفاده از استراتژی «بسط‌دادن مسئله» نیاز بود تا بتوان با واردکردن مسائلی غیر از موارد مطرح‌شده در روایت‌های پیشین، تأخیر آن جبران شود (Jones et al., 2014). روایت نفوذ با واردکردن مسائل سیاسی و امنیتی به میدانی که تا پیش از این بیشتر حول مسائل اقتصادی شکل گرفته بود، از غفلت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری رقیب بهره برد و در همان اول کار جایگاهش را تثبیت کرد و نقطه‌قوت دومش را شکل داد (I10, I27).

۱-۳-۲-۴. معتمدین

یگانه عامل مورد اعتماد روایت نفوذ، اعتماد به سلامت نیت نهادهایی بود که امر مهم تصفیه زیست‌بوم استارت‌آپی را بر عهده داشتند (I27). آن‌ها در شرایطی که عموم اذهان به آینده زیست‌بوم استارت‌آپی امید واهی داشتند، توانستند با بصیرت خود حضور دشمن را تشخیص دهند و کشور را از وابستگی به بیگانگان مصون بدارند (I10). همچنین آن‌ها مانع ثمربخشی برخی برنامه‌های جریان‌ات سیاسی داخلی شدند که منافع ملی را در قبال منافع جناحی خود قربانی می‌کردند (I25, I26). روایت نفوذ برای تحکیم روایت خود از استراتژی روایی «جابه‌جایی شیطان» (Shanahan et al., 2013) استفاده کرده است. در این استراتژی، ائتلاف حامی یک روایت به جای تأکید جدی بر نقاط مثبت خود، بیشتر بر نقاط منفی حریف و بزرگ‌نمایی ایرادات آن تأکید می‌کند (Pattison, 2022). طبق ادبیات NPF معمولاً روایتی که در موضع ضعف قرار دارد از این استراتژی برای تضعیف حریف و گرفتن دست بالا استفاده

1. Expanding the scope of conflict

جدول ۲: مشخصه‌های نسبی روایت‌های اصلی

نمود	ثروت‌آفرینی	همپایی	فناوری
<p>نفوذ</p> <p>– سازگاری بالای این روایت با گفتمان رسمی خودکفایی، استقلال اقتصادی و ارتباط‌نداشتن با غرب</p> <p>– واردکردن مسائل امنیتی و سیاسی به میدان سیاسی و تبدیل توسعه زیست‌بوم از مسئله‌ای اقتصادی به مسئله‌ای با ابعاد سیاسی و امنیتی توأمان با اقتصاد</p>	<p>– اتکا بر افرادی با فهم عمیق از منطق کسب‌وکارهای نوین و با سابقه فعالیت در زیست‌بوم‌های استارت‌آپی جهان</p> <p>– جلب‌توجه اقشار گوناگون به پدیده استارت‌آپ و علاقه‌مندسازی اقشار مختلف (دانشجویان، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و حتی عموم مردم) به سرمایه‌گذاری بر زیست‌بوم استارت‌آپی ایران.</p>	<p>– همراهی با روند جهانی توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی</p> <p>– داشتن طرح ایجابی مشخص برای کشور و ابتنای بر ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان</p> <p>– جذابیت برای همکاری نخبگان علمی، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی</p>	<p>– فناورانه</p> <p>– امکان نفوذ اقتصادی و امنیتی دشمنان کشور از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی</p>
<p>– درست‌کاری و سلامت نهادهایی که متولی تصفیه زیست‌بوم استارت‌آپی از عوامل نفوذی دشمن بودند.</p>	<p>– صحت نیت و هدف افراد و شرکت‌هایی که با وجود همه خطرها و مشکلات فعالیت در ایران، در زیست‌بوم استارت‌آپی کشور مشغول کار شدند.</p>	<p>– شایستگی و صلاحیت اجرایی و اخلاقی بخش عمومی دولتی و غیردولتی برای حمایت از توسعه زیست‌بوم</p> <p>– قابل‌اعتمادبودن بخش خصوصی و به‌ویژه سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور برای توسعه زیست‌بوم</p>	<p>– امکان نفوذ اقتصادی و امنیتی دشمنان کشور از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی</p>
<p>– امکان‌پذیرنبودن حذف کامل طرف‌های خارجی و به‌اصطلاح نفوذی‌ها از مدیریت و مالکیت کسب‌وکارهای مولود زیست‌بوم</p>	<p>– وجود بازیگران قدرتمند حاکمیتی که روایتی در تناقض با روایت ثروت‌آفرینی داشتند.</p>	<p>– نبود ارتباط بین زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و دانش‌بنیان با بخش‌های بزرگ و اصلی اقتصاد کشور</p> <p>– بازگشت تحریم‌ها و ممکن‌نبودن سرمایه‌گذاری خارجی و توقف رشد زیست‌بوم</p>	<p>– فناورانه</p> <p>– امکان نفوذ اقتصادی و امنیتی دشمنان کشور از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی</p>
<p>– نداشتن طرح ایجابی برای آینده زیست‌بوم پس از تصفیه</p> <p>– تأثیر مخرب در توسعه اقتصادی و قدرت حاکمیت در صورت اجرای کامل سناریوی مدنظر روایت نفوذ به‌سبب آسیب شدید به زیست‌بوم استارت‌آپی</p>	<p>– ممکن‌نبودن رقابت در فضای بین‌المللی برای کسب‌وکارهای ایرانی مولود زیست‌بوم حتی در صورت رفع تحریم‌ها</p> <p>– ناسازگاری ایدئولوژیک روایت ثروت‌آفرینی با گفتمان رسمی و اعتمادنداشتن متقابل قهرمانان این روایت و بخش‌هایی از حاکمیت</p>	<p>– نبود ارتباط بین زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و دانش‌بنیان با بخش‌های بزرگ و اصلی اقتصاد کشور</p> <p>– بازگشت تحریم‌ها و ممکن‌نبودن سرمایه‌گذاری خارجی و توقف رشد زیست‌بوم</p>	<p>– فناورانه</p> <p>– امکان نفوذ اقتصادی و امنیتی دشمنان کشور از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی</p>

زیست‌بوم‌های استارت‌آپی و دانش‌بنیان با بخش‌های بزرگی از اقتصاد ایران است. نقاط قوت روایت ثروت‌آفرینی در ابتنا بر تجربیات جهانی قهرمانان خود و جذابیت بالایش برای اقشار گوناگونی از جامعه نشان داده شد و نقاط ضعف آن را می‌توان در ضعف زیست‌بوم استارت‌آپی ایران برای رقابت در فضای بین‌المللی و ناسازگاری با گفتمان رسمی بخش‌هایی از حاکمیت مشاهده کرد. نقاط قوت روایت نفوذ‌سازگاری بالای آن با گفتمان استقلال سیاسی و اقتصادی از غرب و همچنین بهره‌مناسب از واردکردن مسائل امنیتی در میدانی صرفاً اقتصادی است. نقاط ضعف این روایت نداشتن طرح ایجابی قابل اجرا برای جایگزینی با زیست‌بوم استارت‌آپی و ممکن‌نبودن طرح تصفیه کامل زیست‌بوم است.

این اولین باری است که در ایران پژوهشی ذیل NPF صورت می‌گیرد و همچنین با توجه به تازگی نسبی این چهارچوب در ادبیات علمی و بین‌المللی، می‌تواند در توسعه ادبیات موضوع مساهمتی جدی (به‌ویژه به‌سبب زمینه متفاوت انجام پژوهش در ایران با امریکا و اروپا) داشته باشد. پیشنهادهای قابل‌ارائه برای ادامه این مسیر پژوهشی را می‌توان در دو دسته جا داد. دسته اول کاربست همین روش و ساختار پژوهش در سایر زیست‌بوم‌های کارآفرینی ایران است. دسته دوم مربوط به بسط خود روش‌شناسی مبتنی بر NPF در تحلیل زیست‌بوم‌های استارت‌آپی است. بررسی استراتژی‌های روایی به‌کاررفته در میدانی سیاسی و یا تأثیرات آن از روایت‌های جاری در فضای عمومی و رسانه‌های جمعی، می‌تواند انواعی از این توسعه روش‌شناختی باشند.

هریک از آن‌ها در قالب زمینه، قهرمان، تبهکار، قربانی و نتیجه اخلاقی، تبیین شد.

در روایت همپایی به لزوم همراهی با روند جهانی توسعه زیست‌بوم‌های استارت‌آپی تلاش شده است. ائتلاف حامی آن عمدتاً متشکل از بازیگران بخش عمومی است که توسعه اقتصادی و قدرت حاکمیت را منوط به گسترش زیست‌بوم استارت‌آپی و جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی و انتقال دانش و فناوری از طریق آن می‌دانند. در روایت ثروت‌آفرینی زیست‌بوم به‌مثابه محملی برای توسعه نسل جدیدی از کسب‌وکارها در نظر گرفته شده است که منطق سرمایه‌گذاری در آن‌ها همراهی توأمان خطرپذیری و سودآوری بالاست. ائتلاف حامی این روایت بیشتر از فعالان بخش خصوصی زیست‌بوم تشکیل شده است. از منظر آن‌ها، خروج زیست‌بوم از رکود نیازمند رفع انسدادهای بین‌المللی و داخلی است.

در روایت نفوذ زیست‌بوم استارت‌آپی محملی برای نفوذ دشمن و تصرف گلوگاه‌های حکمرانی آینده کشور از طریق پلتفرم‌های ارائه خدمات برخط (آنلاین) دانسته شده است. حامیان این روایت در نهادهای حاکمیتی رقیب سیاسی حامیان زیست‌بوم‌اند. طبق روایت نفوذ، مسیر کنونی توسعه زیست‌بوم استارت‌آپی به توسعه اقتصادی کشور منجر نخواهد شد.

در بخش بعدی مشخصه‌های نسبی هر روایت (نقاط قوت، معتمدان، غفلت‌ها و نقاط آسیب‌پذیری) بررسی شده است. نقاط قوت روایت همپایی بیشتر مربوط به همراهی با روندهای جهانی و ادبیات دانش‌بنیان و نقاط ضعف آن بیشتر مربوط به ارتباط‌نداشتن

- Science Too? Retrieved from American Physical Society. Available in: <https://www.aps.org/policy/analysis/diplomacy.cfm>
- Golafshani, N. (2003). "Understanding reliability and validity in qualitative research". *The qualitative report*, 8(4), pp. 597-607. {in Persian}
- Gottlieb, M., Bertone Oehninger, E. and Arnold, G. (2018). "No Fracking Way" vs. "Drill Baby Drill": A Restructuring of Who Is Pitted Against Whom in the Narrative Policy Framework". *Policy Studies Journal*, 46(4), pp. 798-827.
- Granstrand, O., and Holgersson, M. (2020). "Innovation Ecosystems: a Conceptual Review and a New Definition". *Technovation*, p. 90.
- Gueguen, G., Delanoë-Gueguen, S., and Lechner, C. (2021). "Start-Ups in Entrepreneurial Ecosystems: the Role of Relational Capacity". *Management Decision*, 59(13), pp. 115-135.
- Gupta, K., Ripberger, J., and Wehde, W. (2018). "Advocacy Group Messaging on Social Media: Using the Narrative Policy Framework to Study Twitter Messages about Nuclear Energy Policy in the United States". *Policy Studies Journal*, 46(1), pp. 119-136.
- Gupta, K., Joseph R., and Savannah C. (2014). "The Strategic Use of Policy Narratives: Jaitapur and the Politics of Siting a Nuclear Power Plant in India." In *The Science of Stories: Applications of the Narrative Policy Framework*, eds. New York: Palgrave Macmillan, pp. 89-106.
- Habibie, D., Kamil, M., Kurniawan, D., Salahudin, and Kulsum, U. (2021). "Narrative Policy Framework: The Role of Media Narratives on Alcohol Investment Policy in Indonesia". *Jurnal Moral Kemasyarakatan*, 6(2), pp. 64-76.
- Hakala, H., O'Shea, G., Farny, S and Luoto, S. (2020). "Re-Storying the Business, Innovation and Entrepreneurial Ecosystem Concepts: The Model-Narrative Review Method". *International Journal of Management Reviews*. 22(1), pp. 10-32.
- Hall, M. S. (2021). *Applying the Narrative Policy Framework to the USA Freedom Act of 2015*. Walden University, ProQuest Dissertations Publishing.
- Adner, R. (2017). "Ecosystem as Structure: an Actionable Construct for Strategy". *Journal of management*, 43(1), pp. 39-58.
- Ashrari Mehrjerdi, A. (2021). "an Analysis of Social Ecology of Startups in Iran". *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 13(1), pp. 151-179. {in persian}
- Al Nuaim, A., Ramirez, R., and Dincelli, E. (2020). "Narratives and Information Security Policy Compliance: A Narrative Policy Framework Perspective". *AMCIS 2020 Proceedings*.
- Bahrani, F., Kanaani, F., Turkina, E., Moin, M. S., and Shahbazi, M. (2021). "Key Challenges in Big Data Startups: an Exploratory Study in Iran". *Iranian Journal of Management Studies*, 14(2), pp. 273-289. {In persian}
- Baloutsos, S., Karagiannaki, A., and Pramataris, K. (2022). "Identifying Contradictions in an Incumbent-Startup Ecosystem-An Activity Theory Approach". *European Journal of Innovation Management*, 25(6), pp. 527-548.
- Cavallo, A., Ghezzi, A., and Balocco, R. (2019). "Entrepreneurial Ecosystem Research: Present Debates and Future Directions". *International entrepreneurship and management journal*, 15, pp. 1291-1321.
- Davari, A., and Najmabadi, A. D. (2018). "Entrepreneurial Ecosystem and Performance in Iran". *Entrepreneurship Ecosystem in the Middle East and North Africa (MENA) Dynamics in Trends, Policy and Business Environment*, pp. 265-282. {in persian}
- Eghbalian, Y. (2021). "Role of Soft Infrastructure in Fostering Startup Businesses During a Lack of Finance". In *Investment in Startups and Small Business Financing*, pp. 137-162. {in persian}
- Entezari, Y. (2018). "Innovative Entrepreneurship Ecosystem: General Patterns and its lessons for Iran". *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(1), pp. 21-40. {in Persian}
- Flatten, A. K. (2009). Obama's Focus on Science for Diplomacy: A "New Beginning" for U. S.

- Heclo, H. (1974). *Modern Social Politics in Britain and Sweden: From Relief to Income Maintenance*. London: Yale University Press.
- Javanmardi, S. (2022). "Identifying factors influencing Iranian innovation ecosystem and determining their links". *Sustainable Futures*, 4, p. 100081. {in persian}
- Jones, M. D., McBeth, M. K., and Shanahan, E. A. (2014). "Introducing the Narrative Policy Framework". *The Science of Stories: Applications of the Narrative Policy Framework in Public Policy Analysis*, pp. 1-26. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Jones, M. D., Smith-Walter, A., McBeth, M. K., and Shanahan, E. A. (2023). "The narrative policy framework". In *Theories of the policy process*, pp. 161-195. Routledge.
- Jones, M. D. and Radaelli C. M. (2015). "The Narrative Policy Framework: Child or Monster?". *Critical Policy Studies*, 9(3), pp. 339-355.
- Jones, M. D. and McBeth, M. K. (2010). "A Narrative Policy Framework: Clear Enough to Be Wrong?". *Policy Studies Journal*, 38, pp. 329-353.
- Lee, MH., Lee, M., and Kim, J. (2017). "A Dynamic Approach to the Startup Business Ecosystem: a Cross-Comparison of Korea, China, and Japan". *Asian Academy of Management Journal*, 22(2), pp. 157-184.
- Mason, C., and Brown, R. (2014). "Entrepreneurial Ecosystems and Growth Oriented Entrepreneurship". *Final report to OECD*, Paris, 30(1), pp. 77-102.
- Maysami, A. M., and Elyasi, G. M. (2020). "Designing the framework of technological entrepreneurship ecosystem: A Grounded Theory Approach in the Context of Iran". *Technology in Society*, 63, p.101372. {in persian}
- Maysami, A., Mohammadi Elyasi, G., Mobini Dehkordi, A., Hejazi, S. R. (2018). "The Dimensions and Components of Technological Entrepreneurship Ecosystem in Iran". *Journal of Technology Development Management*, 5(4), pp. 9-42. {in Persian}
- McBeth, M. K., Shanahan, E. A., Arnell, R. J., and Hathaway, P. L. (2007). "The Intersection of Narrative Policy Analysis and Policy Change Theory". *Policy Studies Journal*, 35(1), pp. 87-108.
- Merry, M. K. (2016). "Constructing Policy Narratives in 140 Characters or Less: The Case of Gun Policy Organizations". *Policy Studies Journal*, 44(4), pp. 373-395.
- Meyer, F. (2017). *A Narrative Policy Analysis of the German National Qualification Framework (DQR) discourse surrounding non-formal qualifications*. Lund University.
- Moghadam, S. J. (2017). "Entrepreneurship Policy in Iran". *Iranian Entrepreneurship: Deciphering the Entrepreneurial Ecosystem in Iran and in the Iranian Diaspora*, pp. 15-39. {in persian}
- Moore, J. F. (1996). *The death of competition : leadership and strategy in the age of business ecosystems*. New York: WileyHarperBusiness.
- Motoyama, Y., and Knowlton, K. (2017). "Examining the Connections Within the Startup Ecosystem: a Case Study of St. Louis". *Entrepreneurship Research Journal*, 7(1), 20160011.
- Nambisan, S., and Baron, R. A. (2013). "Entrepreneurship in Innovation Ecosystems: Entrepreneurs' Self-Regulatory Processes and their Implications for New Venture Success". *Entrepreneurship theory and practice*, 37(5), pp.1071-1097.
- Ney, S. (2014). "The Governance of Social Innovation: Connecting Meso and Macro Levels of Analysis". *The Science of Stories: Applications of the Narrative Policy Framework in Public Policy Analysis*. pp. 207-234. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Ojaghi, H., Mohammadi, M., and Yazdani, H. R. (2019). "A synthesized framework for the formation of startups' innovation ecosystem: A systematic literature review". *Journal of Science and Technology Policy Management*, 10(5), pp. 1063-1097.
- Pattison, A., Cipolli, W., and Marichal, J. (2022). "The devil we Know and the Angel that did not Fly: An Examination of Devil/Angel Shift in

- Twitter Fracking “Debates” in NY 2008–2018”. *Review of Policy Research*, 39(1), pp. 51_72.
- Pierce, J. J., Smith-Walter, A., and Peterson, H. L. (2014). “Research Design and the Narrative Policy Framework”. *The Science of Stories: Applications of the Narrative Policy Framework in Public Policy Analysis*, pp. 27-44. New York: PALGRAVE MACMILLAN.
- Sako, M. (2018). “Business Ecosystems: How do they Matter for Innovation?”. *Communications of the ACM*, 61(4), pp. 20-22.
- Salamzadeh, A., Tajpour, M. (2021). “Identification of the Challenges of Media Startup Creation in Iran”. *Journal of Entrepreneurship Development*, 13(4), pp. 561-580. {in Persian}
- Salamzadeh, A., and Kawamorita Kesim, H. (2017). “The Enterprising Communities and Startup Ecosystem in Iran”. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 11(4), pp. 456-479. {in persian}
- Sammaknejad, B. (2017). *The impact of the Joint Comprehensive Plan of Action on the startup ecosystem in Iran* (Master of Arts dissertation, SRH Berlin University of Applied Sciences). {in persian}
- Schlauffer, C., Kuenzler, J., Jones, M.D., Shanahan, E. A. (2022). “The Narrative Policy Framework: A Traveler’s Guide to Policy Stories”. *Polit Vierteljahresschr*, 63(2), pp. 249-273
- Schwaeble, K. L. (2019). “Story Telling by State: Using the Narrative Policy Framework (NPF) to Study the Universality of Mandatory Sentencing Reform Narratives”. *4th edition of the International Conference on Public Policy (ICPP4)*. Montreal. Available in: <https://www.ippapublicpolicy.org/file/paper/5cfef1ed91d48.pdf>.
- Shanahan, E. A., Jones, M. D., and McBeth, M. K. (2011). “Policy Narratives and Policy Processes”. *Policy Studies Journal*, 39(3), pp. 535-561.
- Shanahan, E. A., Jones, M. D., and McBeth, M. K. (2018). “How to Conduct a Narrative Policy Framework Study”. *The Social Science Journal*, 55(3), pp. 332-345.
- Shanahan, E. A., Jones, M. D., McBeth, M. K., and Lane, R. R. (2013). “An Angel on the Wind: How Heroic Policy Narratives Shape Policy Realities”. *Policy Studies Journal*, 41(3), pp. 453-483.
- Shanbe Magazine. (2019). Hassan Rouhani’s new talks about startups. Available in: <https://www.aparat.com/v/Zd09G>
- Souzanchi Kashani, E. (2019). “A Historical Review of Science, Technology and Innovation Studies and the Role of the State”. *Journal of Science and Technology Policy*, 12(2), pp. 1-16. {in Persian}
- Su, Z., and Zarea, H. (2020). “Policy for Fostering Entrepreneurship and Innovation in Creative Industries”. *Nordic Journal of Media Management*, 1(4), pp. 583-588.
- Tripathi, N., Seppänen, P., Boominathan, G., Oivo, M., and Liukkunen, K. (2019). “Insights into Startup Ecosystems through Exploration of Multi-Vocal literature”. *Information and Software Technology*, 105, pp. 56-77.
- United Nations Development Programme (2021). Mapping of the Existing Innovation Ecosystem in the I.R. of Iran.
- Williams, T. T., and Kuzma, J. (2022). “Narrative Policy Framework at the Macro level—Cultural Theory-Based Beliefs, Science-Based Narrative Strategies, and their Uptake in the Canadian Policy Process for Genetically Modified Salmon”. *Public Policy and Administration*, 37(4), pp. 480-515.



Narrative Analysis of Iran's Startup Ecosystem Development Policy Based on Narrative Policy Framework (NPF)

Amirmohammad Vaezi¹

Ali Maleki²

Abstract

The development of startup ecosystems has become a global trend. These ecosystems have proven their importance to governments by having a significant impact on the creation of technology companies and the economic growth of the country. In Iran, too, for many years, efforts have been made under various headings to develop the startup ecosystems. In this article, based on the Narrative Policy Framework (NPF), the existing policy narratives of startup ecosystem development policy in Iran between 2013-20 years have been analyzed. After analyzing these data, it was found that the three main narratives of catch-up, wealth creation and infiltration, have formed the discussions around the development of this ecosystem. In the first part of the analysis, which was related to representing the structuring of narratives, it was found that the narrative of catch-up and wealth creation during their coalition with each other, marked the birth and initial development of the startup ecosystem in Iran. The infiltration narration entered the policy arena sometime later as a negative force. Finally, the strengths and weaknesses of the narrations were examined.

Keywords: Narrative Policy Framework, Innovation Ecosystem, Entrepreneurship Ecosystem, Startup Ecosystem, Policy Narration, Catch-up Narration, Wealth Creation Narration, Infiltration Narration

1. Graduate School of Management and Economics (GSME), Sharif University of Technology, Tehran.

2. Sharif Policy Research Institute (SPRI), Sharif University of Technology, Tehran. a.maleki@sharif.edu

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

پدیدآورندگان	امیر محمد واعظی	علی ملکی
نقش	نویسنده	نویسنده مسئول
نگارش متن	نگارش متن اصلی	بازنگری کلی بر اساس نظر داوران
ویرایش متن و ...	ویرایش متن	کامنت‌دهی روی متن نهایی
طراحی / مفهوم‌پردازی	طراحی	-
گردآوری داده	انجام مصاحبه، پیاده‌سازی متن	-
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل داده به روش تحلیل محتوا و تفسیر آن در قالب چهارچوب NPF	-
سایر نقش‌ها	-	نظارت بر پایان‌نامه

ب) اعلام تعارض منافع

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:
 مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: علی ملکی

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰